

مجموعه پرسش و پاسخ های پیرامون انقلاب اسلامی

۱. در مورد چرایی و چگونگی «پدیده‌ی انقلاب اسلامی» تحلیل‌های متفاوتی ارائه می‌شود؛ به صورت کلی مردم چرا انقلاب کردند؟

در هر حال دقت شود که حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی یا با «کودتا» سرنگون گردیده و بر سر کار می‌آیند و یا با «انقلاب» و انقلاب به تغییر و تحول، حرکت، خیزش جهت تغییر وضع موجود و تحقق خواست عمومی مردم در عرصه‌ی سیاست و اراده جامعه اطلاق می‌گردد، که توسط خودشان صورت می‌پذیرد.

انقلاب برای براندازی یک حکومت یا نظام سیاسی، ناشی از نارضایتی کلی مردم است که در عرصه‌های متفاوت به حد نهایت خود رسیده است. البته نارضایتی‌ها گاهی موردی و یا ناشی از شرایط و یا در نهایت ضعف سیستم اجرایی است [که در تمامی نظامات سیاسی جهان وجود دارد] که مورد انتقاد یا حتی اعتراض اذهان عمومی مردم واقع می‌گردد، اما گاهی ناشی از اصل و شاکله‌ی یک نظام است که در صورت تصمیم و همت مردم، به انقلاب مبدل می‌گردد.

انتقادات و حتی اعتراض‌ها، مانند اعتراض به بی‌کاری، تورم، تصویب قوانینی چون شنود، بازداشت، شکنجه به هنگام بازجویی و ... می‌باشد، اما «انقلاب» اعتراض به اصل یک نظام است. مانند انقلاب اسلامی.

هر انقلابی بر پایه‌ی دو محور محقق می‌گردد: الف - مردم چه نظامی را نمی‌خواهند. ب - مردم چه نظامی را [به عنوان جایگزین] می‌خواهند. لذا صرف مخالفت با یک نظام، بدون معین نمودن جایگزین، نه تنها سبب بروز و ظهور یک انقلاب و پیروزی آن نمی‌گردد، بلکه به احتمال قوی به آشوب و کشتار مردم و عدم نتیجه‌گیری منجر می‌گردد.

مردم با حکومت شاه و بیش از آن با نظام شاهنشاهی یا سلطنت مخالف بودند، اما باید جایگزینی نیز انتخاب می‌نمودند و اعلان و اعلام می‌نمودند که خواهان چه نوع حکومتی هستند. در این راستا الگوهای متداول جهان از یک مثلث خارج نبود: الف) جمهوری دمکراتیک به نوع غربی. ب) سوسیالیستی. ج) سلطنت. ولی مردم ایران هر سه مدل القایی را شاخه‌های یک تنه دانستند و به اسلام روی آوردند و خواهان برقراری و استقرار حکومت اسلامی شدند. لذا این خواست خود را در «نفی» با شعارهایی چون: مرگ بر شاه (سلطنت) - مرگ بر امریکا (جمهوری دمکراتیک غربی) - مرگ بر شوری (جمهوری سوسیالیستی) و در «اثبات» با شعارهای «الله اکبر» - «لا إله الا الله» - «خمینی رهبر» - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» اعلام و اعلان نمودند. و به همین دلیل این شعارها با اندک تفاوت‌هایی که به تناسب ساقط شدن مصادیقی چون «شوری و کمونیست» ایجاد می‌شود، هم چنان در تجمعات کوچک مانند نمازهای جماعت و جمعه و در تجمعات بزرگ مانند راهپیمایی قدس و ۲۲ بهمن، هم چنان در رأس شعارهای دیگر قرار می‌گیرد تا بقای مردم و نسل‌های جدید بر همان مواضع، هم چنان بیان و اشعار گردد.

۲. بعد از انقلاب استبداد شاهنشاهی از بین رفت، ولی آیا استبداد به صورتی دیگر ایجاد نشد و رنگ شرعی به خود نگرفت؟

نظام جمهوری اسلامی که بر مبنای احکام و ارزشهای اسلامی و بر پایه اراده و خواست مردم شکل گرفت، دارای ماهیتی ضد استبدادی است که دلایل این امر را باید در ساختار حکومت، رهبری نظام و قوانین حاکم بر جامعه جستجو کرد: این ساختار حکومت: همانطور که از عنوان حکومت بر می‌آید نظام حاکم بر کشور ما «جمهوری اسلامی» است، یعنی حکومتی که قوانین آن بر اساس شریعت اسلام تنظیم شده است و مردم در چارچوب قوانین اسلام در آن مشارکت دارند و بر نقش و جایگاه آنان تأکید شده است. البته این نکته حائز اهمیت است که حکومت جمهوری در ایران با حکومت دموکراسی مدنظر غرب که ریشه‌های اومانیستی و مانند آن دارد متفاوت است. چه اینکه حاکمیت در اصل اختصاص به خدا دارد همان گونه که تشریح مختص به اوست و در روی زمین توسط ولی او و یا نایبان ولی او حکومت اعمال می‌گردد. رأی و نظر مردم موجب مقبولیت حکومت ولی فقیه جامع الشرائط است و مشروعیت آن از طرف خداوند است. از سوی دیگر در این نوع حکومت یک نوع رابطه

عاطفی و معنوی بین مردم و حاکم برقرار است. برخلاف حکومت جمهوری اسلامی که بر مبنای دین شکل گرفته و مردم حکومت را به کسی می‌دهند که نیابت عام دارد، لذا به او علاقه و عشق می‌ورزند و مطیع دستورات او هستند و به علت این که قاعده انقلاب ما بر گرایش‌ها و دلبستگی توده مردم به ارزش‌های دینی استوار است. روند مردمی بودن حکومت نسبت به حکومت‌های سکولار از اصالت و عمق بیشتری برخوردار است.

ب) ساختار رهبری نظام: این ساختار نیز دلیل دیگری بر ماهیت ضد استبدادی جمهوری اسلامی است، زیرا رهبری نظام بر اساس آموزه‌های دینی در عصر غیبت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، بنابراین شرایط و صفات رهبر ۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه (فقهت) ۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری است و این شرایط حاکی از این است که رهبر نظام با توجه به شناختی که از مبانی اسلام داشته و عدالت و تقوایی که دارا است هرگز نمی‌تواند فردی مستبد بوده و نقش مردم را نادیده بگیرد در حقیقت ولی فقیه در نظام اسلامی مجری احکام اسلام است.

لذا مبنای تصمیمات او رضایت خداوند و احکام اسلامی و مصالح جامعه اسلامی است و اگر فقیهی از این مبنا عدول کند خود به خود منزع می‌شود و دیگر اطاعت از او واجب نخواهد بود. علاوه بر این که رهبر در نظام جمهوری اسلامی توسط مجلس خبرگان که منتخب مردم هستند تعیین می‌گردد و بر اعمال او نظارت می‌شود در واقع مردم به صورت غیر مستقیم و با واسطه رهبر را انتخاب می‌نمایند و نمایندگان آنان که خبرگان در مسایل فقهی و اسلامی هستند، بر اعمال و رفتار او نظارت دارند، لذا هیچ‌گونه استبدادی در رهبری نظام نمی‌تواند شکل بگیرد. آن چه موجب توهم برخی در انتساب استبداد به نظام جمهوری اسلامی شده است تعبیر «ولایت مطلقه فقیه» است که تصور شده منظور از ولایت مطلقه، یعنی ولایت بدون قید و شرط که همان حکومت استبدادی و دیکتاتوری است. در حالی که منظور از ولایت مطلقه فقیه، یعنی فقیه در چارچوب احکام اسلامی برای انجام وظایف و اجرای مصالح امت اسلامی از اختیارات لازم برخوردار است که در مقابل آن ولایت مقیده فقیه است که اختیارات فقیه را در چارچوب امور حسبیه محدود می‌کند. بنابراین ولی فقیه از آنجا که مشروعیت حکومتش را از ناحیه خداوند می‌گیرد. باید در چارچوب احکام اسلامی حرکت نماید که در صورت تخطی از آن ولایت خود را از دست خواهد داد و حکومت او مشروعیتی نخواهد داشت و خداوند موظف کرده حاکم اسلامی را که رأی مردم و انتخاب و اراده آنان را معتبر بشمارد. بنابراین از لحاظ ساختار رهبری نیز هیچ‌گونه استبدادی در نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد.

۳. اهداف و ارزش‌هایی که انقلاب اسلامی به منظور تحقق آن به وقوع پیوست چیست؟

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حادثه مهم و حیرت‌انگیزی برای جهان بود، که می‌توانست در رابطه با مسایل سیاسی جهان و منطقه، ایفاگر نقش تعیین کننده، و تحولات غیرقابل پیش‌بینی باشد. این حادثه بزرگ، از یک سو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان بهم زد؛ و از سوی دیگر در یکی از استوارترین رژیم‌های وابسته که از حمایت قدرت‌های بزرگ برخوردار بود، تحولی سیاسی - مردمی و عظیم بوجود آورد.

مهم‌تر از این دو، روند انقلاب اسلامی با آگاهی‌های عمیق که در میان ملت‌های مسلمان جهان به ویژه در کشورهای اسلامی بوجود آورد، زمینه تحولات سیاسی ریشه‌دار و بینش‌ها و گرایش‌ها و حرکت‌ها و سازماندهی‌های سیاسی چشمگیری را فراهم آورد. برخی از آنچه که باعث خیزش عمومی مردم به رهبری روحانیت در ایران شد عبارتند از:

۱. احیاء تفکر دینی و نشانه‌های محو شده راه خدا، همان اصول واقعی اسلام است در اثر دور بودن منابع فکری و علمی ما در قبل از انقلاب از منابع اصیل اسلامی بدعت‌ها و انحرافات اعتقادی رواج یافت از این رو، از مهمترین اهداف انقلاب بازگشت به اسلام راستین و اصلاح اعتقادات مردم است.

۲. در اثر عدم حاکمیت اسلام در نظام حکومتی قبل از انقلاب، ساختار حکومتی، سازمان‌ها، نهادها و همه ارگان‌های مهم دولتی بر اساس قوانین غیر اسلامی اداره می‌شده است، لذا یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی حاکمیت ارزشهای اسلامی و به پای داشتن مقررات و احکام تسهیل شده الهی حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی مردم است به نحوی که نظامات حقوقی و مدنی در سطح خرد و کلان منشعب از اسلام بشود.

۳. در اثر بی‌کفایتی مسئولین و وابستگی نهادهای تصمیم‌گیرنده در نظام شاهنشاهی بخش‌های مهم اقتصادی اعم از تولید و توزیع دچار اختلال شده و کشور به واقع ثروتمند ایران جزء فقیرترین کشورهای جهان بود، سرمایه‌های مردم به دست استعمارگران چپاول می‌شد. یکی از مهمترین اهداف انقلاب ایجاد یک ساختار درست اقتصادی در جهت تولید در سطح بالا و توزیع عادلانه ثروت بین مردم بوده است.

۴. عامل اصلی تمام آنچه گفته شد، علاوه بر ضعف‌های داخلی حضور استکبار و استعمار به هدف چپاول منابع سرشار کشور بوده است، از اینرو از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی کوتاه کردن دست مستکبران ظالم از مملکت و رهایی مردم از یوغ چپاولگران استعمار بوده است. لذا اهداف انقلاب در یک نمای کلی در کلام رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) این چنین «اساس کار جمهوری اسلامی تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت‌ها و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی به معیارهای اسلامی، اصلاحات لازم را به عمل آورد که این اصلاحات با مشارکت کامل مردم (جمهوریت) خواهد بود و اهدافش قبل از هر چیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم است که از همه جهت مورد ظلم واقع شده‌اند.

مقام معظم رهبری نیز در مورد اهداف و ویژگی‌های انقلاب اسلامی فرمودند: «انقلاب بزرگ ما خصوصیات مشخصی به خود داشت، این خصوصیات اولین بار در یک انقلاب مشاهده می‌شد، تکیه بر اسلام، هدف‌گیری ایجاد حکومت اسلامی، تجدید نظر در مفاهیم سیاسی عالم، مثل آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و چیزهای دیگر و حرکت به سمت دنیا و جامعه‌ای که بر پایه ارزشهای اسلامی بنا شده باشد».

۴. چرا انقلاب کردیم؟ آیا اگر انقلاب نمی‌شد الان وضع بهتری داشتیم؟

شاید این سوال را بارها در برخی مجالس، ادارات، تاکسی‌ها و اتوبوس‌ها شنیده ایم که قبل از انقلاب وضع اقتصادی مردم بهتر بود. آیا واقعا این جمله واقعیت دارد؟

برای آنکه به این شبهه پاسخ بگوییم باید نخست نگاهی اجمالی به سرانه درآمد مردم ایران از فروش نفت در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب و همچنین شرایط کنونی کشور داشته باشیم.

۱) در سال ۱۳۵۶ میزان صادرات نفت ایران به ۵/۵ میلیون بشکه رسید در حالی که در حال حاضر صادرات نفت کشورمان به دلیل الف-بالا رفتن مصرف داخلی ب- نگاه صیانتی به نفت به عنوان یک سرمایه ملی برای آیندگان و ج- تحریم‌های بین‌المللی علیه خرید نفت از ایران، به حدود ۱/۳ میلیون بشکه رسیده است. به عبارتی صادرات نفت ایران در زمان رژیم پهلوی بیش از ۴ برابر زمان کنونی بوده است.

۲) جمعیت کشور در سال ۱۳۵۷، حدود ۳۵ میلیون نفر بود در حالی که در حال حاضر از مرز ۷۵ میلیون نفر گذشته است و این به معنای بیش از دو برابر شدن نیازهای یک کشور به غذا، بهداشت، درمان، مسکن، آموزش و... می‌باشد.

۳) ارزش دلار حاصل از فروش نفت در سال ۱۳۵۷ در بازارهای بین المللی حدود دو برابر ارزشهای دیگر بود در حالی که در سال ۱۳۹۰ به دلیل ضعف اقتصاد آمریکا و جهش های اقتصادی چین و ژاپن و اتحادیه اروپا و برخی کشورهای توسعه یافته این ارزش به نصف در معاملات بین المللی رسیده است.

۴) مصرف کشور در سال ۱۳۹۰ در مواد غذایی شامل غلات، مواد پروتئینی، لبنیات، میوه و سبزیجات، پوشاک، لوازم خانگی، لوازم بهداشتی و... نسبت به سال ۱۳۵۷ بیش از چهار برابر شده است.

با چنین مقدمه ای معلوم می شود که سرانه مردم ایران در حال حاضر نسبت به درآمدهای حاصل از فروش نفت بیش از ۱۶ برابر کاهش یافته است. اما با وجود چنین کاهش درآمد سرانه ای، با آمار و ارقام اثبات خواهیم کرد که وضعیت اقتصادی و رفاهی و آموزشی و بهداشتی مردم ایران به صورت شگرفی بهبود یافته است.

در گام نخست و در ابتدا تنها به چند نما از شرایط اقتصادی- رفاهی مردم در دوران رژیم پهلوی اشاره می کنیم.

- در زمان رژیم پهلوی ۴۰ درصد جمعیت شهری و ۶۵ درصد جمعیت روستایی کشور زیر خط فقر زندگی می کردند.

- ۳۵ درصد مردم ایران دچار سوء تغذیه بودند.

- تنها ۴۵ درصد مردم ایران با سواد بودند.

- ۷۵ درصد کودکان واجب التعلیم به مدارس می رفتند.

- تنها ۵ شهر کشور از نعمت گاز به صورت پراکنده برخوردار بودند.

- تولیدات کشاورزی ایران تنها مصرف ۳۳ روز مردم را تامین می کرد.

- ۴۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی در ایران حضور داشتند.

- ۳۵ هزار متخصص خارجی در صنایع نفت، مخابرات، پزشکی، خودرو سازی، برنامه و بودجه و... در کشور حضور داشتند.

- از کشورهای هند و پاکستان و بنگلادش و سریلانکا پزشک وارد می کردیم.

- سی درصد جمعیت کشور را خانوارهای ثروتمند تشکیل می دادند که معادل ۹۰ درصد کل درآمد کشور را به خود اختصاص داده بودند و ۷۰ درصد بقیه تنها ۱۰ درصد درآمد کشور را در اختیار داشتند.

- در سال ۱۳۵۷ کشور با یک اقتصاد بیمار که با تورم بیش از ۱۶ درصد، استقراض خارجی، کسری بودجه و کاهش تولید ناخالص ملی روبرو بود.

- در چنین شرایطی محمدرضا پهلوی با استفاده از پول بیت المال با هزینه ای بالغ بر سیصد میلیون دلار، جشن های دو هزار و پانصد ساله را برگزار کرد.

۵. چرا کالاها قبل از انقلاب ارزان تر بود و بعد از انقلاب شاهد گرانی کالاها هستیم؟

این مسئله از دو جهت باید مورد توجه قرار گیرد:

الف) از جهت سیاست های اقتصادی توسعه ای کشور؛ بررسی ها نشان می دهد یکی از عمده ترین دلایل این امر ، اعمال تعرفه های گمرکی پایین از سوی دولت نسبت به کالاهای وارداتی خارجی در قبل از انقلاب و افزایش این تعرفه ها بعد از انقلاب بوده است . به عبارت دیگر در نتیجه اعمال تعرفه های گمرکی پایین ، کالاهای خارجی به وفور و با قیمت بسیار نازل در بازار قبل از انقلاب یافت می شد. این سیاست اقتصادی نامناسب ، در جهت تضعیف تولیدات داخلی ، افزایش وابستگی اقتصادی کشور به قدرت های صنعتی و تامین بازار برای آنان بوده است؛ زیرا در چنین شرایطی تولید کننده نوپا و کم تجربه داخلی امکان رقابت با تولید کننده توانمند و مجرب خارجی را نمی یابد و به سهولت از صحنه رقابت خارج می شود و حضور در عرصه تولید را مقرون به صرف نمی یابد.

به همین جهت است که ارزانی کالاها (به معنای عرفی آن) یکی از بزرگ ترین موانع رشد و توسعه اقتصادی در جوامع ، به خصوص در جوامع در حال در حال توسعه تلقی می شود؛ ارزانی غیر معقول ، موجب تضعیف موقعیت تولید کننده و در نهایت ، تضعیف تولیدات داخلی می شود .

ب) این مسئله از جهت قدرت خرید اکثریت افراد جامعه نیز قابل تامل و توجه است. بسیار می شنویم که گفته می شود در گذشته مثلا قیمت گوشت فلان مقدار بوده با قیمت تخم مرغ چنان بود و درمقایسه با قیمت های کنونی که بسیار افزایش یافته در این گونه نتیجه گیری می شود که چون قدرت خرید مردم کاهش یافته، وضعیت معیشت مردم بدتر شده است.

در پاسخ باید توجه کرد که هم، مشاهده عینی وضعیت جامعه و هم آمارها ، نشان از بهتر شدن نسبی وضعیت معیشت اکثریت افراد جامعه دارد. به عبارت دیگر، درست است که در گذشته قیمتها پایین بوده ولی قدرت خرید مردم بسیار پایین تر از آن بوده است آمارها و بررسی های رسمی و غیر رسمی گویای آن است که به غیر برخی اقشار جامعه ؛اکثر مردم به خصوص صاحبان مشاغل آزاد از وضعیت معیشتی مناسب تری نسبت به قبل از انقلاب برخوردار می باشند . لکن به دلایل متعددی همچون تغییر الگوی زندگی (الگوی مسکن ، خوراک ، پوشاک و لوازم منزل) و به تبع آن ،افزایش سطح انتظار آنها از زندگی ،ابراز نارضایتی و احساس محرومیت در آنان افزایش یافته است.

به عنوان مثال امروزه الگوی مسکن عموم مردم نسبت به قبل از انقلاب و سال های اول انقلاب تغییر یافته است . در گذشته اکثر خانواده ها گسترده بودند، اما اکنون هسته ای شده اند . مثلا در گذشته اگر عروس یا دامادی به خانواده اضافه می شد، در یکی از اتاقهای همان خانه جای میگرفت؛ اما اکنون عموما زوجهای جوان به زندگی در مسکن مستقل روی می آورند.

در خصوص الگوی خوراک نیز شاهد تغییرات اساسی در جامعه خودمان در سال های اخیر هستیم. در حدود ۳۰ سال پیش، قوت غالب خانواده های ایرانی نان بود و برنج غذای اعیانی محسوب می شد در حالی که امروز الگوی خوراک اکثریت جامعه تغییر یافته و عموما برنج در غذای روزانه آنان جایگاه خاصی پیدا کرده است.

همچنین گوشت که پیش از انقلاب در مناطق روستایی و شهرهای کوچک فقط در مناسبت های خاص بر سفره مردم می نشست امروز در نوبت هفتگی اکثر مردم حضور دارد. آمارها نشان می دهد مصرف میوه نیز به چهار برابر قبل از انقلاب رسیده است. آمارهای جهانی نیز گویای بهتر شدن وضعیت رفاه مردم ما در سالهای پس از انقلاب است. بر اساس آمار بانک جهانی، ۴۶ درصد مردم ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر بودند؛ اما این رقم در سال ۱۳۷۸ به ۱۶ درصد کاهش یافته یعنی بیش از ۲/۸ برابر وضعیت رفاه جامعه بهتر شده است.

۶. شاید شما هم این جملات را در برخی مجالس عمومی یا فامیلی و خانوادگی شنیده باشید که "اگر انقلاب نمی شد وضعیت اقتصادی مردم بهتر از حالا بود و مردم در یک رفاه عمومی بسر می برند. شاه در حال پی ریزی یک اقتصاد قوی در کشور بود که اگر فرصت پیدا می کرد پس از ۳۳ سال ما الان وضع بهتری داشتیم"؟

لوازم برخورداری از یک اقتصاد سالم و قوی مبتنی بر عوامل مختلفی همچون روحیه خودباوری و اعتماد به نفس صنعت، کشاورزی، مهندسی، فناوری و آموزش، دوری از اقتصاد تک محوری، مقابله با فساد دولتمردان و خواص و میدان دادن به مردم در مشارکت برای ساخت کشور است که باید دید آیا این اتفاق در رژیم پهلوی افتاده بود یا خیر؟

الف) فقدان اعتماد به نفس و روحیه خودباوری: در سران رژیم پهلوی هیچ گونه روحیه اعتماد به نفس و خودباوری برای ساخت ایران مشاهده نمی شد از این رو علیرغم برخورداری کشور ایران از کارشناسان متخصص و دلسوز، اداره کشور را به کارشناسان خارجی و بیگانه داده بودند که نه تنها هیچ دلسوزی برای مردم ایران نداشتند بلکه در صدد عقب نگاه داشتن کشور و تداوم نیاز به حضور آنان در بخش های مختلف کشور را داشتند .

رژیم پهلوی برای اداره کشور قرارداد حضور بیش از ۵۰ هزار مستشار و کارشناس خارجی را در بخش های مختلف نظامی، نفت، مهندسی، سد سازی، راه سازی، مخابرات، خودروسازی، پزشکی، برنامه و بودجه و... امضا کرد در حالی که متخصصان ایرانی اجازه ظهور و بروز و نشان دادن مهارت و خلاقیت خود را نداشتند. به عنوان مثال مهندسان ایرانی در نیروی هوایی اجازه حضور در محل های تعمیر و نگهداری هواپیماهای اف-۱۴ را نداشتند و تمام مراحل تعمیر و آماده سازی با رقم های هنگفت توسط مستشاران آمریکایی انجام می شد. همچنین در بخش های پدافندی و راداری تمام کارها توسط نیروهای آمریکایی انجام می شد و حتی سران پهلوی هم از جزئیات کار مستشاران نظامی بی خبر بودند.

برخی از این کارشناسان خارجی از دولت ایران حق توحش می گرفتند. پس از مدتی قانون حق کاپیتولاسیون را هم برای آمریکایی ها به تصویب رساندند که به تعبیر حضرت امام(ره) اگر یک آشپز آمریکایی یک مرجع تقلید را با ماشین زیر می گرفت دادگاه های ایران حق محاکمه وی را نداشتند و باید به آمریکا منتقل و آنجا به اتهام وی رسیدگی می شد.

ب) صنعت مونتاژ و کاملاً وابسته: به دلیل صادرات بیش از ۵/۵ میلیون بشکه نفت به خارج و درآمد هنگفت رژیم پهلوی از این محل، سران رژیم پهلوی انگیزه چندانی برای سرمایه گذاری روی صنعت و کشاورزی نداشتند و بیشتر به دنبال واردات کالاهای خارجی بودند. در بخش هایی هم که سرمایه گذاری محدودی بر روی صنایع صورت می پذیرفت عمدتاً صنایع مونتاژ بود که تمام قطعات ساخته شده وارد کشور می شد. تنها به عنوان یک شاهد مثال می توان به خبری که یک سال قبل از پیروزی انقلاب در رسانه ها منتشر شد اشاره کرد که آمده بود: " کارخانه ارج با ۸۰۰۰ کارگر در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن " پیچ " متوقف می شود". در این مورد هم چنین می توان به خبر یکی از روزنامه های آن زمان (رستاخیز) در تاریخ تیرماه ۱۳۵۷ اشاره کرد. در این خبر آمده است که «متأسفانه در وضع کنونی باید مرغ را با قیمت گزاف برای تولید تخم مرغ جوجه کشی از خارج وارد کنیم. مرغ مادر گوشتی را در شرایط کنونی نمی توانیم در ایران تولید کنیم. برای تغذیه این مرغ ها هفتاد درصد غذای طیور را باید از خارج از کشور وارد کنیم. البته، با این همه، وارد کردن ها برای اداره این صنعت تکنولوژی لازم و نیروی انسانی نداریم. یعنی، طبق استاندارد معمولاً، برای هر ۲۰۰۰ واحد دامی به یک دامپزشک نیازمندیم، ولی، در ایران متأسفانه برای هر ۱۹۶ □ ۴۳ واحد دامی یک دامپزشک وجود دارد». این خبر یک نمونه بارز از وابستگی تکنولوژیکی به تولید خارجی است.

همچنین در سال ۱۳۵۴ مبلغ زیادی جریمه به کشتی هایی پرداخت شد که در خلیج فارس به علت عدم وجود امکانات و تجهیزات تخلیه بار در انتظار باراندازی مانده بودند.

ج) فساد شدید و گسترده در دربار و دولتمردان و میدان ندادن به بخش خصوصی: خانواده سلطنتی که جمعا از ۶۳ شاهپور و شاهدوخت ... تشکیل شده بود بخش عظیمی از ثروت را به خود اختصاص می داد، جمع ثروت این خانواده به بیش از بیست میلیارد دلار می رسید.

همچنین عمده مقاطعه کاری های پر سود و طرح های پرمفعت دولتی توسط مقامات حکومتی منعقد می شد. بر اساس یک برآورد تنها در فاصله ۱۳۵۲-۱۳۵۵ حق کمیسیون مقام های دولتی از یک میلیارد دلار فراتر رفت. این نوع توزیع ثروت بخشی از جامعه ایرانی که شالوده حکومت شاه را تشکیل می دادند (اعضای دربار، ارتش، ساواک، و بلندپایگان دیوان سالاری) و مورد اعتماد شخص شاه بودند تعلق می گرفت. از سوی دیگر شرکت ملی نفت به صورت محرمانه ولی دائمی مبلغ کلانی به حساب شخصی شاه واریز می نمود. به گونه ای که سرمایه شخصی شاه به یک میلیارد رسیده بود.

برادران و خواهران شاه و وابستگان آنها، از سهامداران عمده بسیاری از شرکتهای داخلی، یا واسطه معاملات بین دولت و شرکتهای خارجی بودند و از این رهگذر، صدها میلیون دلار به جیب زدند. روزنامه نیویورک تایمز در شماره ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ به استناد گفته یکی از منابع بانکی در آمریکا نوشت «... فقط اوراق بهادار متعلق به شخص شاه بیش از یک میلیارد دلار است و تنها طی دو سال آخر، مبلغی بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار از سوی خانواده سلطنتی ایران به آمریکا منتقل شده است.»

با سرمایه های هنگفت ملی، نهادهایی اداره می شد که آنها نیز هدفی جز سلطه بیشتر حکومت بر تمامی ابعاد زندگی مردم نداشتند مثل "نهاد پهلوی" که کنترل و نفوذ در مراکز مهم اقتصادی یکی از وظایف این نهاد بود به گونه ای که در بیش از ۲۰۷ شرکت سهام داشت و بخش مهمی چون مسکن، مصالح ساختمانی، بیمه، هتل ها، اتومبیل و ... را کنترل می کرد. کنترل شدید دولت بر تمامی ارکان اقتصاد خود به خود باعث می شد که مردم از مزایای اقتصادی محروم شود.

دامنه سوءاستفاده های مالی دربار اطرافیان شاه، و صاحبان قدرت و نفوذ در دستگاه پهلوی از کل پروژه های صنعتی، کشاورزی، ساختمانی، راهسازی و نظامی زمان رژیم گذشته تا آن حد گسترده و وسیع بوده است که نه تنها از دید هیچ یک از پژوهشگران که علل و عوامل انقلاب اسلامی ایران را بررسی کرده اند پنهان نمانده است، بلکه حتی اطرافیان و نزدیکان شاه سابق نیز اجباراً به آن اعتراف کرده اند.

چنانچه اشرف پهلوی در کتاب "چهره ها در آینه" و پرویز راجی در کتاب "خاطرات آخرین سفیر شاه در لندن" بدان اشاره کرده اند. علاوه بر این، خود شاه نیز در کتاب "پاسخ به تاریخ" چنین مطلبی را اذعان می کند. آنتونی پارسونز سفیر کبیر انگلیس نیز در خاطرات دوران سفارت خود در ایران که مصادف با سالهای انقلاب بوده است در ذکر عوامل سقوط رژیم پهلوی از استبداد، فساد مالی، سرکوب، و خشونت رژیم نام می برد و در جای دیگری در کتاب فوق الذکر می گوید که بیشترین موارد فساد مالی مربوط به خانواده پهلوی و دربار شاه بود. یکی از دلایل عمده نارضایتی مردم در زمان حکومت پهلوی شکاف و اختلاف عظیم طبقاتی بین معدودی اقشار بسیار غنی و مرفه جامعه و اکثریت عظیم توده مردم ذکر می شود.

د) عدم اهتمام رژیم پهلوی به طبقه محروم و فقر ستیزی: رویکرد اقتصادی رژیم پهلوی مبتنی بر میدان دادن به شاهزاده ها، شاهپورها، شاهدخت ها، عناصر دربار، سران ارتش و عناصر رده بالای ساواک بود. عدم توزیع منصفانه ثروت عمومی باعث رشد اقتصادی یک طبقه خاص وابسته به حکومت می شد.

هویدا، نخست وزیر وقت در حالی از کسب جایگاه پنجم ایران در صنعت جهان طی پانزده سال آینده خبر می داد که عمدتاً صنایع مونتاژ و وارداتی به خانواده های وابسته به دربار واگذار شده بود و آنها طبقه بورژوازی وابسته به پهلوی را شکل می دادند.

این بورژوازی مرکب از حدود ۱۵۰ خانواده (به روایت شورای انقلاب ۵۱ خانواده) بود که ۶۷ درصد صنایع و مؤسسات مالی را مالک بودند. از میان ۴۷۳ صنعت بزرگ خصوصی، ۳۷۰ مورد از آنها در مالکیت ده خانواده بود که خانواده های فرمانفرمایان، رضایی، خیامی، ثابت، لاجوردی شناخته شده ترین آنها بودند.

با توجه به آنچه آورده شد می توان نتیجه گرفت که با وجود درآمدهای سرشار نفتی، تغییرات موازی اقتصادی در سطح کشور رخ نداد؛ زیرا در عمل زمینه رشد موازی اقتصادی از ناحیه خود دولت با مشکل مواجه می شد. سلطه کامل محمدرضا پهلوی بر تمامی ارکان جامعه ایرانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ آن در عمل با توزیع موازی ثروت منافات داشت. به همین دلیل با وجود اجرای برنامه های پر سر و صدا (انقلاب سفید- اصلاحات ارضی ...) در میدان عمل در زندگی قاطبه مردم تغییری رخ نمی داد. ثروتمندان که عمدتاً مورد تأیید دستگاه حاکمه بودند ثروت مند تر می شدند و برای مردم هر روز مانع جدیدتری در راه بهره برداری مساوی از ثروت ایجاد می شد.

ه) اولویت نظامی گری بر آبادانی کشور: حدود چهل درصد از بودجه کشور به ارتش اختصاص داده می شد که تعداد نیروها و پرسنل آن هر روز بیشتر و بیشتر می شد و در سال های آخر به ۴۱۳ هزار نفر -حتی به روایت حسین نصر ۵۵۰ هزار نفر- رسیده بود. حدود ۴۰ هزار مستشار نظامی آمریکا (به ازاء هر صد سرباز یک مستشار نظامی) فعالیت می کرد. و تعداد اعضای ساواک غیر قابل شمارش بود، بر اساس برآورد یک دیپلمات غربی در تهران از هر هشت نفر افراد بالغ یک نفر جاسوس ساواک هستند.

و) ریخت و پاش سرمایه ملی و عدم سرمایه گذاری در بخش های اساسی: جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که بیش از سیصد میلیون دلار هزینه دربر داشت و با ولخرجی ها و اتلاف بی حد و حصر سرمایه های ملی کشورمان انجام شد، درحالی بود که متجاوز از نیمی از جمعیت کشور در روستاها و حومه شهرهای بزرگ در فقر و فلاکت و تنگدستی به سر می بردند و در اکثر شهرها و روستاهای کشور، اثری از وسایل اولیه و مقدماتی رفاه عمومی و حداقل امتیازات زندگی ساده برای عامه مردم وجود نداشت. در پاییز سال ۱۳۵۰ محمد رضا شاه، سالگرد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران را با ریخت و پاش بسیاری در محل پرسپولیس (تخت جمشید) جشن گرفت. در این جشن بیست پادشاه و امیر عرب، پنج ملکه، بیست و یک شاهزاده، شانزده رئیس جمهوری، سه نخست وزیر، چهار معاون رئیس جمهوری و دو وزیر خارجه از ۶۹ کشور شرکت کردند.

گذشته از مقامات مزبور، دهها تن از شخصیت های علمی، هنری، صنعتی، فرهنگی و نمایندگان رسانه های خبری جهان و نیز نخبگان ایرانی، در جشنی که یک هفته طول کشید حضور یافته بودند مدعین در ۳ چادر عظیم و ۵۰ چادر بزرگ که در خارج تهیه شده بود، پذیرایی شدند.

برای تامین روشنایی محل از تهران و شیراز ۶۰۰۰ مایل کابل کشی و ۲۰ مایل حلقه گل زینتی، شامل ۱۳۰ هزار لامپ چراغ مصرف شده بود. در میهمانی های رسمی، ۵۰۰ تن میهمان حضور داشتند. غذا شامل تخم بلدرچین با خاویار، خوراک خرچنگ، کباب بره با قارچ، طاووس بریان انباشته از جگر غاز، و دسر شامل تمشک تازه محصول فرانسه با لعاب انجیر و تمشک مخصوص بود. ماکس بلوئه، فرانسوی که با ۲۵۹ سر آشپز، آشپز و پیشخدمت، از ده روز پیش از برگزاری مراسم جشن از فرانسه آماده بود، سرپرستی پذیراییها را به عهده داشت. رستوران ماکزیم پاریس، غذا و مشروب، از جمله ۲۵ هزار بطری شراب مخصوص تهیه دیده بود.

در مراسم جشن پرسپولیس ۶۰۰ روزنامه نگار، عکاس و فیلمبردار از اکناف جهان به تخت جمشید آمده بودند، بیش از یک میلیون کلمه خبر به سراسر دنیا مخابره کردند. شبکه تلویزیونی NBC از ایالات متحده آمریکا، مراسم جشن را با استفاده از ماهواره، برای ده ها میلیون بیننده آمریکایی پخش کرد. مردم ایران نیز قسمت هایی از مراسم را از تلویزیون تماشا کردند. به نقل از: (James A. Bill. op. cit., pp. ۱۸۴ - ۱۴۹)

مراسم جشن در نهایت گشاده دستی و اسراف انجام گرفت و هزینه آن بیش از ۳۰۰ میلیون دلار برآورد شد. مدعین در ۳ چادر عظیم و ۵۰ چادر بزرگ که در خارج تهیه شده بود، پذیرایی شدند.

در چنین شرایطی صدها تن از شخصیت های معروف از اکناف جهان به پرسپولیس آمده بودند تا شاهد پیشرفت های ایران باشند و شاه را ستایش کنند. در پرسپولیس، محمد رضا شاه، بر سر مزار کوروش نطقی ایراد کرد و گفت: «... کوروش بزرگ! شاه شاهان، شاه هخامنش، شاه سرزمین ایران، من شاهنشاه ایران، از جانب خود و ملت، بر تو درود می گویم! ... کوروش! شاه بزرگ

شاهان، آزاده‌ترین آزادگان، قهرمان تاریخ ایران و جهان! آسوده بخواب، زیرا ما بیداریم و پیوسته بیدار خواهیم ماند...» مدعوین جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، صدها تن میهمانان خارجی و گروهی از نخبگان مورد اعتماد دستگاه بودند ولی مردم ایران به آنجا راه نداشتند. همه راههایی که به پرسپولیس و تخت جمشید منتهی می‌شد به وسیله نیروهای نظامی و امنیتی بسته شده بود. صدها تن، زن و مرد ایرانی، که نسبت به آنها سوء ظن می‌رفت، دستگیر شده و یا تحت نظر قرار داشتند. به رغم کوششها و هزینه سنگینی که برای هر چه با شکوهرتر جلوه دادن جشنها به کار رفت، مطبوعات آمریکا مطالب انتقاد آمیزی پیرامون بی‌نظمی های آن نوشتند و برخی شاه و رژیم او را به باد حمله گرفتند. دنباله انتقاد به محافل و شخصیت‌های سیاسی کشیده شد. جورج بال، معاون سابق وزارت امور خارجه آمریکا گفت «چه مناظر پوچ و زنده‌ای! فرزند یک سرهنگ فوج قزاق، در کشوری که درآمد سرانه مردم آن ۲۵۰ دلار در سال است، مانند یک امپراتور جشن بر پا کرده و با ادعای رفورم و نوگرایی، البسه و پوشاک دوران استبداد باستانی را به نمایش گذاشته است (New York; W.W. Norton, ۱۹۸۲)

به طور خلاصه، نداشتن برنامه مشخص اقتصادی، تک محصولی شدن اقتصاد و وابستگی به صادرات نفتی، رشد سرمایه داری در دامان امپریالیسم، نابودی کشاورزی، افزایش وابستگی در بخش صنعت گسترش صنایع مصرفی، سطح بالای بیکاری و کم کاری، سطح نازل درآمد سرانه، سطح پایین بهره وری، وضع بد بهداشت همگانی، بی‌اعتنایی به علم، مراکز علمی و تحقیقاتی، بی‌توجهی به بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و رشد و توسعه کشور، ایجاد تأسیسات نظامی وابسته، اجرای سیاست ریخت و پاش و ولخرجی های سرسام آور شاهانه در امور مبتذل، توزیع ناعادلانه درآمدهای ملی، و تشدید فاصله طبقاتی و در یک کلام، فساد، اسراف، ظلم اقتصادی و فقر اکثریت مردم ایران از ویژگی های برجسته مدیریت فاسد، بی‌کفایت و ناکارآمد این دوران می باشد که در صورت تداوم، امروز یکی از وابسته ترین، فقیرترین و تحقیر شده ترین ملت ها بودیم.

۷. چرا با وجود دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی و تلاشهای غیرقابل انکار مسئولین و کارگزاران آن، عده ای از مردم و حتی نخبگان از وضعیت موجود اظهار نارضایتی می کنند؟

در پاسخ باید گفت که عوامل متعددی در این قضاوت منفی دخیل بوده است. از جمله:

- تغییر الگوی مصرف جامعه و بهتر شدن نسبی سطح زندگی مردم، به خصوص از دهه دوم انقلاب به بعد، که به تدریج باعث افزایش سطح انتظارات آنان از زندگی شده است.
- افزایش چشمگیر سطح آگاهی های اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه پس از انقلاب و در نتیجه، آرمانگرایی و توجه بیشتر آنان به نقاط ضعف و نارسایی های وضع موجود به جای توجه به نقاط قوت آن.
- ترویج و حاکمیت فرهنگ نادرست اجتماعی در جامعه در سالهای اخیر، به صورتی که افراد، رفع تمامی مشکلات را تنها از حکومت و دولت- آن هم در کوتاه مدت- انتظار دارند.
- انعکاس نیافتن مناسب دستاوردها و عدم ارائه آمارهای دقیق، شفاف و تطبیقی از ابعاد اقدامات و تلاشهای صورت پذیرفته از سوی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به خصوص در مقایسه با قبل از انقلاب و کشورهای منطقه.
- عدم اطلاع رسانی مناسب به مردم در خصوص مشکلات موجود از جمله کاهش شدید درآمد سرانه نفتی کشور و ورود خسارت های هنگفت به دلیل جنگ تحمیلی که در کاهش توان و عملکرد کارگزاران نظام و کارآمدی آنان بسیار موثر بوده است.
- توجه نکردن مردم در خصوص سیاستهای اقتصادی دولت (همچون واقعی کردن قیمتها) که در نگاه آنان، بی توجهی دولت به مشکلات مردم، تداعی شده است. (که البته این سه عامل اخیر به تنهایی بیانگر ابعادی از ناکارآمدی کارگزاران نظام - در تبیین عملکرد و توجیه وضعیت فراروی نظام- می باشد)

- فضا سازی و فعالیت گسترده تبلیغاتی مخالفان داخلی و خارجی نظام در سیاه نمایی وضع موجود و بزرگ نمایی مشکلات. افزایش سطح توقعات و مطالبات جمعیت روستایی کشور تحت تاثیر رسانه ها و برنامه های تلویزیونی و بالا رفتن سطح معلومات و ارتباطات فراگیر آنان با شهرها.

- جوان بودن جمعیت کشور - ۶۵ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال - که ایجاد نیاز روزافزون جهت تخصیص بودجه و امکانات در حوزه های آموزشی و تحصیلی - تفریحی و رفاهی، مسکن و به ویژه اشتغال و ازدواج را به دنبال دارد.

آنچه باعث تاسف میشود این است که امروزه به هنگام اظهار نظر درباره وضع موجود کشور، جدا از برخی تحلیل های مغرضانه و جهت دار دشمنان، بخشی از تحلیل ها و قضاوت های دوستان نیز منصفانه و واقع بینانه ارائه نمی شود. موارد منفی بزرگنمایی شده و بسیاری از اقدامات و دستاوردهای مثبت نادیده گرفته می شود؛ حتی تلاش جهت دار و معنی داری در خصوص القای این نکته به مردم و بخش بزرگی از فرهیختگان و خواص جامعه صورت می گیرد تا وضعیت اقتصادی و درجه توسعه یافتگی کشور حتی در مقایسه با قبل از انقلاب نیز بدتر نشان داده شود ولی تامل واقع بینانه و تحلیل علمی تحولات پس از انقلاب، به وضوح نشان می دهد که با توجه به شرایط و محدودیت های موجود، جمهوری اسلامی در مدت عمر خود توانسته ضمن مقاومت در برابر فشارها و تجاوزات بیگانگان، در اصلاح و بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی مردم خود نیز توفیقات فراوانی به دست آورد.

و البته پرداختن به اقدامات مثبت نظام، به معنی نفی یا نادیده گرفتن معضلات و نواقص موجود نیز نمی باشد. مشکلات موجود، اکثرا محسوس و مشهود برای عموم مردم است اما ممکن است نگاه و ذهنیت آنها تنها از زاویه کمبودها و نواقص شکل گرفته باشد، بنابراین، در این بحث، سعی گردید به منظور تعدیل و تصحیح نگرش افراد نسبت به وضع موجود، تلاش ها و اقدامات انجام گرفته، مدنظر قرار گیرد و مواردی که لازم است جهت قضاوت منصفانه لحاظ گردد، بیان شود.

در عین حال باید اذعان کرد که اگر مقصود و تعریف ما از کارآمدی، «تخصیص بهینه امکانات در جهت دستیابی به اهداف تعیین شده از سوی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی برای تحقق الگوی مطلوب از یک جامعه دینی، انقلابی و انسانی برخوردار از حداکثر مواهب مادی و معنوی» باشد، در این صورت، قطعاً تا تحقق آن آرمان مطلوب و مدینه فاضله، فاصله ای بسیار داریم و ضروری است برای رسیدن به آن وضعیت، ضمن نقد وضع موجود به علت یابی مشکلات و بررسی دلایل عدم تحقق برخی از اهداف و آرمانها بپردازیم و با ارائه راهکارها و پیشنهادهای جهت رفع آنها اقدام کنیم. به برخی از اقدامات و دستاوردهای مثبت در ذیل اشاره شده است:

الف) افزایش شاخص های توسعه انسانی

- امید به زندگی: بعد از انقلاب اسلامی، امید به زندگی در ایران ۱۵ سال افزایش یافته است. هم اکنون این شاخص در مردم کشور ما ۷۴ سال است. در حال حاضر بیش از ۹۷ درصد جمعیت روستایی و حدود ۱۰۰۰ درصد جمعیت شهری ایران، به مراقبت های بهداشتی دسترسی دارند و شاخص های سلامت، بهبود چشمگیری یافته است.

- مرگ و میر اطفال: امروزه نرخ مرگ و میر اطفال زیر ۵ سال از ۲۰۰ مورد در هر هزار تولد در قبل از انقلاب، به حدود ۲۳۳ مورد در هر هزار تولد رسیده است. کاهش چشمگیر مرگ و میر اطفال طی سال های اخیر، ناشی از عواملی چون گسترش شبکه بهداشتی - درمانی کشور، افزایش دسترسی به خدمات و مراقبت های اولیه بهداشتی است.

- واکسیناسیون: شاخص پوشش واکسیناسیون اطفال زیر ۵ سال در ایران از حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۹۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. به همین دلیل، بسیاری از بیماریهای عفونی و مسری، از طریق اجرای واکسیناسیون در اطفال کاهش یا ریشه کن شده و ایران را در سطح استانداردهای جهانی قرار داده است.

- بیش از ۶۵ میلیون نفر از جمعیت کشور تحت پوشش بیمه های درمانی قرار گرفته اند.

- از نظر شاخص‌های سلامت زنان به ارقام افتخار آمیزی پس از انقلاب از جمله کاهش ۹۰ درصدی مرگ و میر زنان باردار و کاهش زایمان توسط افراد دوره ندیده به کمتر از ۲ درصد رسیده‌ایم.

- تعداد تخت‌های بیمارستانی از ۵۷ هزار تخت در سال ۵۷ به ۲۱۰۷۹۷ تخت در سال ۱۳۹۰ رسیده است. همچنین تعداد خانه‌های بهداشت از ۲۵۰۰ به ۲۰۵۶۱ باب، مراکز بهداشتی، درمانی و روستایی از ۱۵۰۰ به ۹۳۴۵ مرکز، مراکز بهداشتی درمانی شهری از ۸۰۰ به ۳۷۷۰ مرکز افزایش یافته است.

- تعداد دانشجویان گروه پزشکی در سال ۱۳۹۰ به ۴۲۵۹۱ رسید. در حالی که این رقم در سال ۵۷، ۲۳۰۰۰ نفر بود. تعداد پزشکان متخصص از ۷۰۰۰ نفر در سال ۵۷ به ۹۰۷۹۲ نفر در سال ۹۰ افزایش یافته است.

- افزایش تعداد زنان عضو هیئت علمی دانشگاهها که اکنون با نزدیک به ۶ هزار نفر یک سوم کل اعضای هیئت علمی دانشگاههای علوم پزشکی را تشکیل می‌دهند، افزایش دانشجویان خانم تا مرز دو سوم کل دانشجویان کشور همه از دستاوردهای پس از انقلاب اسلامی ایران در ۳۳ سال گذشته است.

- این جزء افتخارات ماست که مجلس پنجم ۵۰ درصد ظرفیت رشته‌های تخصصی پزشکی را به زنان اختصاص داد. بر این اساس اکنون در بسیاری از رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی دانشمندان و افراد با تجربه زن داریم که مشغول خدمت رسانی به مردم هستند.

- **تعلیم و تربیت:** ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دارای پائین ترین شاخص توسعه انسانی بود. نرخ باسوادی بزرگسالان از ۴۱/۸ درصد در اوایل انقلاب اسلامی (۱۳۵۹) به ۵۷/۱ درصد در سال ۶۷ و سپس ۸۵ درصد در سال ۹۰ رسیده است. در حالی که در سالهای پایانی رژیم شاه کمتر از نیمی از جمعیت لازم‌التعلیم تحت پوشش آموزش‌های لازم بودند.

ب) جهش‌های علمی

الوین تافلر فیلسوف مشهور آمریکایی که کتاب‌های متعددی در خصوص پیش بینی تحولات جهانی در آینده دارد در کتاب جابه جایی قدرت خود می‌نویسد؛ «نظامی گری، ثروت و دانایی ابزارهای اصلی قدرت هستند و سایر منابع از اینها سرچشمه می‌گیرند. اما علم و دانایی انعطاف پذیرترین و بنیادی ترین منبع قدرت است. زیرا می‌تواند به شخص کمک کند تا چالش‌هایی را دفع کند که ممکن است به استفاده از زور یا ثروت نیاز داشته باشد.»

ایران اسلامی هم اکنون در بسیاری از عرصه‌های علمی بویژه در زمینه طب، انرژی هسته‌ای، نانو تکنولوژی، بیو تکنولوژی، سلولهای بنیادی و دیگر فناوری‌های نوین صاحب رتبه‌های برتر جهانی است که به صورت اجمال به برخی از این دستاوردها اشاراتی خواهیم داشت.

- ایران بالاترین رشد مقالات علمی را در سال ۲۰۱۲ در جهان داشته است.

- ایران رتبه نخست تولید علم را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص داده است.

- براساس تازه ترین آمار مؤسسه بین المللی اطلاعات علمی (ISI)، محققان ایرانی با ارائه بیش از ۱۷ هزار مقاله علمی، از لحاظ تعداد کل تولیدات علمی نمایه شده، در جایگاه هفدهم جهان قرار گرفته اند.

- تعداد مراکز آموزش عالی کشور از ۲۲۳ مرکز (در قبل از انقلاب) به بیش از ۲۵۰۰ مرکز رسیده است، یعنی حدوداً دوازده برابر شده است.

- تعداد دانشجویان در سطح دکترا از حدود ۱۷ هزار تن در اوایل انقلاب ، به بیش از ۳۰۰ هزار تن افزایش یافته است . امروزه آمار دانشجویان در مجموعه دانشگاههای ایران به حدود ۳ میلیون و سیصد هزار نفر رسیده است که در مقایسه با قبل از انقلاب ۲۷ برابر شده است . هفته نامه « نیوزویک » در یکی از شماره های اخیر خود اعلام کرد که یکی از بهترین مؤسسات علمی جهان در ایران است . در این گزارش از موفقیت‌های دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاههای ایران بویژه دانشگاه صنعتی شریف در عرصه های بین المللی ، اشاره شده است .

- سال ۱۳۹۰ ایران مقام پنجم آسیا و اول منطقه در تولید علم و فناوری به‌ویژه در رشته‌های ریاضی، مکانیک، پلیمر، شیمی، مهندسی شیمی، فناوری نانو و پزشکی و رتبه دوازدهم ریاضی، سیزدهم کامپیوتر، هفدهم مکانیک، هیجدهم شیمی، پانزدهم نانو در جهان بوده است .

- دستیابی به دانش فنی استفاده از پلیمرهای گیاهی در صنایع بسته‌بندی، در جایگاه پنجمین کشور پس از آمریکا، آلمان، انگلیس و ایتالیا، تنها بخش ناچیزی از افتخارات کسب‌شده در این زمینه است .

- ایران در تولید داروهای بیوتکنولوژی جزو ۱۲ کشور اول دنیاست .

- دانشمندان کشورمان موفق شده‌اند مواد و داروهایی را تولید کنند که یا در سطح جهان سابقه قبلی نداشته یا تولید آنها فقط در انحصار چند کشور خاص بوده است . ساخت اولین داروی ضد دیابت در جهان، تولید اسپرم از مغز قرمز استخوان زنان، ساخت پوست مصنوعی، ساخت داروی کنترل ایدز، ساخت داروی سرطان پوست، درمان ضایعات نخاعی، قلبی، کبدی، عروقی و چشمی با استفاده از سلول‌های بنیادین، طی مراحل نهایی بیش از سی قلم داروی بیماری‌های صعب‌العلاج، کار بر روی بیش از صد طرح تحقیقاتی نانوتکنولوژی و ساخت قوی‌ترین چسب بافتی جهان با ترکیبی از فناوری نانو و چسب بافتی هوشمند با عنوان نانو گیو (nano give)، ساخت حداقل چهار داروی بیوتکنولوژی از جمله اریترو پولتین، آنها اینتروون، استریپتوکیناز، gCSF و اینترفون بتا در حالی انجام شد که تعداد کل این داروها در جهان حدود ۳۵ تا چهل مورد بود و قبل از این موفقیت، تکنولوژی آن، فقط در اختیار دو کشور قرار داشت؛ بنابراین این تولیدات نمونه‌های دیگری از موفقیت‌های کسب‌شده در این بخش است .

- هم اکنون ۸۵ درصد زنان ایرانی باسواد هستند ، در حالی که نرخ باسوادی زنان قبل از انقلاب اسلامی حدود ۳۵ درصد بوده است . در حال حاضر حدود ۶۷ درصد از پذیرفته شدگان دانشگاهها از میان دختران و زنان هستند .

- ایران در مجموع در ردیف ۱۰ کشور برتر جهان در المپیادهای علمی قرار گرفته است . در المپیادهای ریاضی، شیمی ، فیزیک، کامپیوتر و نجوم در دنیا چند بار حائز رتبه اول شده ایم .

- **پیوند اعضا:** هم اکنون ایران جزء ده کشور اول دنیا در زمینه پیوند اعضای بدن است . امروزه بیش از ۸۰ مرکز پیوند اعضا چون قلب ، کلیه ، کبد ، مغز استخوان ، ریه و غیره در ایران فعال هستند . مطابق آمار در ۲۵ سال اخیر ، حدود ۲۵ هزار پیوند کلیه، در ایران انجام شده که از این لحاظ ، ایران در ردیف کشورهای پیشرفته محسوب می شود . ایران در زمینه جراحی لاپاروسکوپی، مقام سوم جهان را کسب کرده است . در حال حاضر ، جراحی پیوند کلیه بدون ایجاد برش در ایران انجام می شود . ایران در زمینه جراحی و پیوند قلب و ریه، پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشته است . سالانه ۱۸۰۰۰ عمل قلب در ایران انجام می شود که ایران را در این خصوص، جزو ۱۰ کشور برتر جهان قرار داده است . ایران در زمینه جراحی و پیوند سرخرگ زیر قفسه سینه و عمل قلب باز، موفقیت های مهمی را ثبت کرده است .

- **تولید دارو:** هم اکنون ۹۰ درصد داروهای مورد نیاز در داخل کشور تولید می شود و طبق نظر کارشناسان ، ایران هر سال ۵۰۰ داروی جدید وارد بازار می کند . به عنوان نمونه داروی ” سینوکس ” برای درمان بیماران ام . اس . که تولید آن در جهان انحصاری

بود ، حدود دو سال است در ایران تولید می شود. در این زمینه ایران به عنوان دومین تولید کننده این دارو در جهان شناخته شده است. تولید داروی " آیمود (IMOD) " در پیشگیری و بهبود بیماری ایدز نیز حاصل تلاشهای محققان ایرانی است. طبق گفته کارشناسان، این دارو سیستم دفاعی بدن فرد مبتلا را در برابر عوارض عفونی بیماری ایدز تقویت می کند . در حال حاضر داروی " آنژی پارس (Angipars) " برای بهبود زخم پای بیماران دیابتی ، " داروی اینترفرون پگیله " برای درمان بیماری هپاتیت C و داروهایی برای درمان بیماریهای ریوی و عفونی جانبازان کیمیاوی در ایران تولید می شود.

- سلول های بنیادی: در دنیای امروز، طب ترمیمی با استفاده از روش سلول درمانی به مدد دکتران طب آمده تا بافت از بین رفته بدن ، جایگزین شود . اینک در ایران اسلامی ۱۰۰ مرکز تحقیقاتی در تولید سلول های بنیادی ، سلول های کبدی ، تولید غضروف ، تداوی سرطان و درمان ناهنجاریهای استخوان فعال هستند . پژوهشکده رویان نیز به عنوان مرکزی علمی و شناخته شده در جهان ، در تولید علم و تکنولوژی های کمک کننده باروری ، سلولهای بنیادی جنینی ، ترمیم چشم ، تولید نای مصنوعی و ... دستاوردهای مهمی را به دست آورده است . تلاشهای خستگی ناپذیر محققان رویان، ایران را در ردیف ۱۰ کشور برتر دنیا در زمینه سلولهای بنیادی قرار داده است. سالانه هزاران بیمار خارجی برای تداوی بیماریهایی نظیر ناباروری ، جراحی پلاستیک و زیبایی ، بیماریهای دهان و دندان و انواع جراحی ها به ایران سفر می کنند.

- پژوهشکده رویان: پژوهشکده علوم سلولی و ناباروری رویان، یکی از مراکز تحقیقاتی وابسته به جهاد دانشگاهی کشور است که در زمینه بهداشت باروری و ناباروری و علوم تولیدمثل فعالیت می کند. این مرکز در کنار فعالیت های درمانی و سرویس دهی به زوج های نابارور، بخش اصلی فعالیت های خود را در حوزه امور پژوهشی و آموزشی متمرکز کرده و در قالب چندین گروه تخصصی در زمینه علوم باروری و تولیدمثل تحقیق می کند. محققان این پژوهشکده در کنار موفقیت هایی، نظیر تولد اولین مورد نوزاد با استفاده از جنین منجمد در ایران (سال ۱۳۷۵) و تولد اولین نوزاد حاصل از روش ICSI با استفاده از اسپرم منجمد شده یک فرد بیضه برداری شده (سال ۱۳۷۸)، اخیراً توانستند با کشت و تکثیر نخستین رده از سلول های بنیادی جنینی انسان (بن یاخته های جنینی) در ایران (سال ۱۳۸۲) به فناوری تولید سلول های بنیادی جنین انسان دست پیدا کنند.

- نانوتکنولوژی: نانوتکنولوژی از تکنولوژی های کلیدی قرن ۲۱ است . ایران در تکنولوژی نانو در خاورمیانه رتبه اول و در میان کشورهای اسلامی، رتبه دوم و در جهان در رده هفدهم قرار گرفته است.

نانو تکنولوژی یک فرایند تولید مولکولی است و از تکنولوژی سطح بالایی در دنیا برخوردار است . تکنولوژی نانو واژه ای است که به تکنولوژی های پیشرفته در عرصه کار با مقیاس نانو که یک میلیارد متر است ، اطلاق می شود . به گفته کارشناسان در حال حاضر ۱۲۰ موسسه پژوهشی و ۶۰ آزمایشگاه در حوزه نانو در ایران فعال هستند. اکنون ایران به مدد متخصصین و جوانان فعال ، توانسته به تولید چند نوع نانو پودر ، تولید چند نوع نانو کامپوزیت و نانو پوشش ها دست یابد . پژوهشگران ایرانی موفق به نوعی نانو کامپوزیت شدند که در صنایع داروسازی ، غذایی ، کاغذ سازی ، آرایشی ، بهداشتی و ساخت پروتزها در صنایع طبی مورد استفاده قرار می گیرد . همچنین ایران توانسته با ساخت یک میکروسکوپ در ابعاد نانو متر ، از نانو ساختارها ، انتی بادی ها ، پروتئین ها و مولکولهای DNA تصویربرداری کند . قدرت تصویر برداری این میکروسکوپ ، منحصر به فرد است . با ساخت این دستگاه ، ایران به جمع چند کشور صاحب تکنولوژی ساخت این نوع میکروسکوپ پیوسته است.

- فناوری هسته ای: جمهوری اسلامی به رغم تحریم های شدید امریکا و فشار به کشورهای دیگر برای نداشتن همکاری در طرح هسته ای ایران، توانست چرخه سوخت هسته ای را با دستان دانشمندان داخلی به صورت چشمگیری افزایش دهد تا جایی که تعجب جهانیان را برانگیزد.

در سال ۷۹ ایران تصمیم گرفت که خود راه‌اندازی UCF را آغاز کند و ۴۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور را در رشته‌های مختلف گردهم آورد و این کار را آغاز کرد. پس از دریافت خسارت از چین با تلاش شبانه‌روزی در اسفند سال ۸۲ UCF راه‌اندازی شد و در خرداد سال ۸۳ به صورت کامل به‌بهره‌برداری رسید. در پروژه UCF اصفهان افتخار داریم که تمام فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های داخل کشور در این زمینه تلاش کردند و ما حتی از یک متخصص خارجی نیز استفاده نکردیم. جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در رابطه با چرخه سوخت هسته‌ای هفتمین کشور در دنیا است که از این تکنولوژی برخوردار می‌باشد و در زمینه غنی‌سازی نیز رتبه ۵ یا ۶ دنیا را به خود اختصاص داده است.

در این خصوص، نظام جمهوری اسلامی توانست با کشف و استخراج اورانیوم طبیعی در یزد و فناوری آن در اردکان یزد و سپس تبدیل آن به سه ماده: «هگزافلوراید اورانیوم»، «اکسید اورانیوم» و «تترافلوراید اورانیوم» را در «پایگاه هسته‌ای اصفهان»، بزرگترین گام‌های چرخه سوخت هسته‌ای بردارد و سپس با تأسیس پایگاه در «نطنز» با استفاده از دستگاه‌های سانتریفوژ به غنی‌سازی اورانیوم دست یابد. این امر، ایران را به ردیف دهمین کشور با فناوری هسته‌ای ارتقا داده است. در حال حاضر ایران در فردو و نطنز بیش از ۱۵ هزار سانتریفوژ دارد که غنی‌سازی ۲۰ درصد را انجام می‌دهیم. همچنین، طراحی راکتور آب سنگین در اراک و به مرحله نهایی رسیدن نیروگاه اتمی در بوشهر، گام‌های دیگری بود که نشان داد مدیریت انقلابی نظام جمهوری اسلامی را به کشوری پیشرفته تبدیل می‌کند.

- تکنولوژی فضایی:

(۱) رونمایی از ماهواره امید: امید اولین ماهواره بومی ایران است که به منظور مصارف تحقیقاتی و مخابراتی به دست متخصصان ایرانی طراحی و ساخته شده است.

(۲) ایستگاه هدایت و کنترل ماهواره: این ایستگاه وظیفه تعیین موقعیت ماهواره را برعهده داشته و ارتباط رادیویی با ماهواره را برقرار می‌کند و فرمان‌های کنترل لازم را به ماهواره ارسال نموده و پاسخ ماهواره را دریافت می‌کند.

(۳) افتتاح پایگاه پرتاب فضایی ایران: این پایگاه به منظور پرتاب ماهواره‌های ایرانی در داخل کشور طراحی و ساخته شده است.

(۴) پرتاب موشک ماهواره‌بر ایرانی با نام «سفیر»: این موشک، یک راکت کاوشی است که از جمله مقدمات اولیه پرتاب ماهواره به مدار است و وظیفه شناسایی محیط پروازی ماهواره‌ها قبل از پرتاب را انجام می‌دهد. راکت پرتابگر کاوش یک شامل بیش از ۱۰ هزار تنوع قطعه در اجزای مختلف اعم از موتور، بدنه، هدایت و کنترل است که کارشناسان رشته‌های مختلف دانشگاهی طی ۱۰ سال گذشته ساخت تمامی اجزای آن را بومی نموده و اینک صنایع هوافضای جمهوری اسلامی قادر به ساخت کامل آن است. با رونمایی از ماهواره امید و پرتاب کاوشگر فضایی، جمهوری اسلامی ایران جزء چند کشور نخست جهان شد که مرکز آزمایش ماهواره در شرایط فضا را ایجاد کرده است.

- صنایع نظامی: ایران که قبل از انقلاب تقریباً تمام تسلیحات نظامی خود را از خارج وارد می‌کرده در زمره یکی از کشورهای تولیدکننده تسلیحات پیشرفته نظامی در جهان قرار گرفته و در کنار کشورهایی چون هند، برزیل و یوگسلاوی مطرح شده است و تولیدات خود را به بیش از ۳۰ کشور جهان صادر می‌کند.

تولید محصولات الکترونیکی و راداری، ادوات و تجهیزات خاص از این جمله است. اکنون ایران در زمینه صنایع زرهی و ساخت انواع نفربر در بین ده کشور برتر دنیا قرار گرفته است. به برخی از اقدامات انجام شده در صنایع نظامی اشاره می‌کنیم: ساخت ناو جماران، هواپیمای جنگنده آذرخش، طراحی و ساخت لانچر (پرتاب‌کننده) چهار موشکی با قابلیت شلیک همزمان و تک‌تک، ساخت چرخبال آموزشی و چرخبال دو موتوره، طراحی و ساخت تانک پیشرفته ذوالفقار و راه‌اندازی خط تولید انبوه آن،

ساخت تانک مدرن ، طراحی و ساخت خودرو تانکبر (ببر ۴۰۰)، ساخت انواع شناورها و یدک کشها، ساخت زیردریایی و اسکله شناور، ساخت موشک فاتح ۱۱۰ (از موفقترین موشکهای زمین به زمین در جهان) و موشکهای دوربرد شهاب (با سرعتی سه برابر موشک اسرائیلی)، راه اندازی خطوط تعمیرات اساسی و بازسازی هواپیمای نظامی و خودکفایی در زمینه های ساخت و یا تعمیر بسیاری از تجهیزات و قطعات نظامی که در جنگ الکترونیکی کاربرد دارد.

ساخت هواپیمای جنگنده صاعقه، هواپیمای آموزشی، بالگرد و هواپیمای بدون سرنشین از هواپیماهای ۴ نفره «فجر-۳» از دیگر عملکردهای سازمان صنایع هواپیمایی است.

معرفی برخی از تولیدات صنایع موشکی:

- موشک شهاب ۳: (برد ۲۵۰۰ کیلومتر / درصد خطا ۲ در ۱۰۰۰۰)
- موشک فاتح ۱۱۰: (یکی از دقیق ترین موشکهای موجود در داخل کشور با سوخت جامد)
- موشک توفان: (یکی از پیشرفته ترین موشکهای ضد زره با عمق نفوذ ۷۶۰ میلیمتر و برد ۳۸۵۰ متر و دارای سیستم 'ضد جبینگ' تا دشمن نتواند آن را منحرف سازد و و مجهز به سیستم دید در شب و قابل شلیک از بالگرد های کبرا)
- موشک تندر: (طراحی شده جهت مقابله با زره های واکنشگر)
- راکت صاعقه: (طراحی شده جهت نابودی نفرات دشمن و دارای ۴۰ میلیمتر طول می باشد و اهمیت آن به جهت برد ، مقدار ترکشها و قدرت انفجاری آن می باشد و پرواز آن در هوا بدون صدا می باشد)
- موشک صیاد ۲و۱: (که جهت نابودی بمب افکنها و هواپیماهای شناسایی دشمن طراحی شده و زمین به هوا می باشد که به تولید انبوه رسیده است)
- موشک شهاب ثاقب: (موشک سطح به هوای شهاب ثاقب موشکی کوتاه برد جهت دفاع ضد هوایی در ارتفاع پایین و بسیار پایین است و دارای ردیاب و سیستم هدایت فرماندهی و کنترل بیسیم است. و دارای سرچنگی ۱۴ کیلوگرمی و دارای ماسوره زمانی « ایر » می باشد که درصد خطای آن ۴ درصد می باشد.
- موشک میثاق ۲و۱: (این موشک نمونه مدرنیزه شده استینگر می باشد که از روی شانه پرتاب می شود که دارای سیستم هومینگ غیر عامل مادون قرمز با قابلیت تهاجمی در تمامی جهات است)
- موشک کروزر: (طراحی شده جهت استفاده در هواپیما و شناور . که بر برروی شناور های ذوالفقار ۱۴۰۰ و ذوالجناح نصب شده و این شناور ها با سرعت ۹۰ کیلومتر حرکت کرده و همزمان اقدام به شلیک این موشک می کنند.
- موشک سجیل با برد بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر

پ) دستاوردهای بخش کشاورزی

سرزمین ایران دارای مساحتی بالغ بر ۱۶۴ میلیون هکتار است که بیش از ۵۱ میلیون هکتار آن از اراضی خوب و با استعداد برای تولید محصولات کشاورزی است تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بدلیل سیاستهای نادرست رژیم پهلوی، کشاورزی کشور با ورشکستگی روبرو بود بسیاری از محصولات استراتژیک کشاورزی نظیر گندم و برنج از خارج وارد می شد و کسری فزاینده مواد غذایی به تورم قیمت این مواد در داخل کشور منجر شده بود.

بخش کشاورزی از مهمترین و استراتژیک ترین بخشهای اقتصادی کشور است. در حیطه کشاورزی و دامداری، طبق آمار رسمی دولت در سال ۱۳۵۶، رژیم پهلوی فقط توانایی تامین مواد غذایی مردم خود برای ۳۳ روز در سال را داشت و مجبور بود باقی مواد

غذایی را از خارج وارد کند. برای مثال مرغ را از فرانسه، تخم مرغ را از اسرائیل، سیب را از لبنان، پنیر را از دانمارک و... وارد می کرد.

هم اکنون کشورمان به رغم دو برابر شدن جمعیت، به مرز خودکفایی رسیده است به گونه ای که با توجه به اینکه تولید گندم در سال ۱۳۵۶، ۱/۵ میلیون تن بوده و کشور ما سال ها از بزرگترین واردکننده های گندم در دنیا محسوب می شده در سال ۸۳ با تولید بیش از ۱۴ میلیون تن- بعد از چهل و اندی سال- توانست به خودکفایی در عرصه این محصول استراتژیک دست یابد. تولید برنج، دومین محصول استراتژیک و پرمصرف کشور (پس از گندم)، رشدی بالغ بر ۵۲ درصد نسبت به قبل از انقلاب اسلامی داشته است که تا حد بسیار قابل توجهی از واردات آن کاسته شده است.

طی سالهای پس از انقلاب اسلامی، علیرغم دو برابر شدن جمعیت ایران و افزایش مصرف سرانه، با خودکفایی کشور در بخش دام و تامین مواد غذایی، واردات اقلامی نظیر گوشت قرمز، مرغ، تخم مرغ و شیر قطع شده است. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی در بخش کشاورزی خودکفایی در تولید محصولات باغی بوده است. امروزه مرکبات، انار، کیوی، انبه، خرمالو و یا محصولاتی همانند پسته، زعفران، کشمش، همچین میوه هایی همچون هلو، شلیل، زردآلو و سیب و انواع سبزیجات از ایران به کشورهای مختلف صادر می شود. شایان ذکر است ایران نخستین تولیدکننده محصولاتی نظیر پسته، زعفران و انار در جهان است.

در سالهای اخیر نیز با توجه به توانمندیهای بالقوه ایران برای تولید ارزان قیمت و نزدیکی به بسیاری از بازارهای مصرف، صنعت گل و گیاه مورد توجه بخش دولتی و خصوصی کشور قرار گرفته است در این راستا مسیولین کشور برآن هستند با استفاده از فن آوری جدید، تولیدکنندگان این بخش را یاری دهند.

امروزه دولتمردان جمهوری اسلامی ایران با در پیش گرفتن سیاستهای حمایتی از جمله تامین به موقع تسهیلات، خریدهای تضمینی، حمایت از خسارت دیدگان خشکسالی و گسترش بیمه محصولات کشاورزی و دامی، سعی در حمایت هرچه بیشتر از تولید کنندگان بخش کشاورزی دارند.

براساس گزارش سازمان خواروبار کشاورزی سازمان ملل متحد- فائو- ایران در سال های اخیر رتبه نخست صادرات کشاورزی را در میان کشورهای خاورمیانه کسب کرده است.

سازمان جهانی خوار و بار و کشاورزی (فائو) در گزارشی در مورد وضعیت کشاورزی کشورمان در سالهای پس از انقلاب اسلامی با اعلام این که مجموع تولید حدود ۱۰۰ رقم محصول کشاورزی ایران در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تن بوده است، این رقم را در پایان سال ۹۰ بیش از ۱۰۰ میلیون تن اعلام کرده است که بیش از ۷۰ میلیون تن رشد نشان می دهد. بر اساس این گزارش، تولید انواع میوه در کشور ما در سال ۱۹۷۸ حدود ۲ میلیون و ۸۸۳ هزار تن بوده است که این رقم در سال جاری با افزایش ۱۵ میلیون تنی به ۱۸ میلیون و ۸۴۷ هزار تن رسیده است.

سازمان جهانی خوار و بار و کشاورزی (فائو) در این گزارش اعلام کرد: حجم تولید محصولات تولید شکر یعنی نیشکر و چغندر قند در سال ۱۹۷۸ میلادی بیش از ۴ میلیون و ۵۵۷ هزار تن بوده است که این رقم در حال حاضر به بیش از ۱۳ میلیون و ۵۳۰ هزار تن رسیده است. تولید نیشکر و چغندر قند طی سی سال گذشته بیش از ۷ میلیون تن و به عبارتی ۱۶۱ درصد رشد داشته است.

حجم تولید انواع سبزی جات و صیفی جات در سال ۱۹۷۸ بیش از ۴ میلیون و ۶۲۱ هزار تن بوده است که این رقم در سال جاری به بیش از ۱۹ میلیون و ۷۶۰ هزار تن افزایش یافته است.

سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی اذعان میکند که ایران با تولید ۲۵ میلیون تنی نهمین تولید کننده بزرگ غلات در قاره آسیا است.

بر اساس این گزارش ایران نهمین تولید کننده بزرگ غلات در قاره آسیا شناخته شده است. چین با تولید ۴۴۵ میلیون تن

غلات در سال ۲۰۰۶ بزرگترین تولید کننده غلات در آسیا طی این سال بوده است. همچنین گرسنگی و سو تغذیه در ایران از ۳۰ درصد جمعیت کشور در سال ۱۹۷۰ به کمتر از ۴ درصد جمعیت در سالهای اخیر رسید.

حضور جهادگران متخصص و متعهد در صحنه توسعه عمران و آبادانی روستاها و کشاورزی، تامین نهاده های مورد نیاز کشاورزان، اجرای طرح های عمرانی مختلف، توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و انتقال دانش فنی به کشاورزان و توسعه تکنولوژی های جدید سبب شد که چهره ی کشاورزی در روستاهای ایران به تدریج تغییر یافته و امروزه به نقطه ای رسیده ایم که حداقل ۹۶ درصد محصولات مورد نیاز کشور در داخل تولید شده و کشور از وابستگی به اجانب رهایی نسبی پیدا کرده است. در این سالها صادرات محصولات کشاورزی به نحو بی سابقه ای رشد یافته و از ۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ به رقم ۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است.

ج) پیشرفت های بخش راه و ترابری

به اعتقاد کارشناسان، پیشرفت در صنعت حمل و نقل کشور، انقلابی در این بخش محسوب می شود؛ زیرا در ۲۵ سال پیش از پیروزی انقلاب ۹۰ هزار کیلومتر راه آسفالتی و شوسه روستایی و ۷۶ هزار کیلومتر جاده و راه اصلی و فرعی در شهرهای گوناگون احداث شد؛ در حالی که در سال ۵۷ مجموع راههای اصلی و فرعی کشور حدود ۳۶ هزار کیلومتر بود. حال آنکه در پایان سال ۱۳۸۵ مجموع راههای اصلی و فرعی کشور حدود ۱۰۰۷۱۹۸ کیلومتر بوده است.

در شبکه ریلی کشور نیز در حال حاضر ۶۱۰۰ کیلومتر شبکه اصلی و بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر شبکه فرعی راه آهن وجود دارد و در واقع به همت متخصصان داخلی سالانه ۶۰۰ کیلومتر راه آهن احداث می شود که در آینده نزدیک به ۱۰۰۰ کیلومتر امکان افزایش دارد.

دستیابی متخصصان داخلی به توانایی پیشرفته ترین سطح تعمیر اساسی (اورهال) هواپیماهای پهن پیکر یکی از موارد پیشرفت در صنعت هواپیمایی است.

ساخت هواپیماهای ایران ۱۴۰ با هزینه هر فروند ۸/۵ میلیون دلار و توانایی ساخت ۱۲ فروند در هر سال، نمونه چشمگیری از پیشرفت هایی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته است.

تأسیس فرودگاهها در مناطق دورافتاده و محروم کشور از امتیازهای کشور پس از پیروزی انقلاب است. رشد ۸۰ برابری تلفن پس از انقلاب: از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، دایری تلفن همراه و ثابت در سطح کشور، ۶۲ برابر رشد داشته است.

ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، ۸۵۰ هزار و ۸۰۰ شماره تلفن در سطح کشور دایر بود که با تلاش های صورت گرفته، این تعداد تاکنون به حدود ۷۵ میلیون و ۶۸۱ هزار شماره تلفن ثابت و همراه رسیده است.

توسعه بخش مخابرات در روستاها که قبل از انقلاب در حد صفر بوده است، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی رشد قابل توجه به خود دیده است به طوری که تعداد روستاهای دارای ارتباط مخابراتی که در سال ۵۷ تنها ۳۱۲ روستا بوده است، در پایان آذر ۹۰ به ۸۹ هزار روستا افزایش یافته و رشد بیش از ۳۰۰ برابری را نشان می دهد.

د) دستاوردهای حوزه نفت و گاز و پتروشیمی

بعد از پیروزی انقلاب، تحول مهمی در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران ایجاد شد. پیش از انقلاب ذخیره قابل تولید نفت ۴۱ میلیارد بشکه بود که با کشف میدان های نفتی جدید، این میزان به ۱۳۸ میلیارد بشکه نفت رسیده است. هم اکنون از نظر میزان ذخایر گازی، ایران دومین کشور جهان است. پروژه پارس جنوبی از جمله میدان های بزرگی است که ۸ درصد ذخیره گازی جهان و ۵۰ درصد ذخیره گازی ایران در آن قرار دارد.

در زمینه صنعت پتروشیمی نیز ایران رشد چشمگیری داشته است. امروزه ۴۵ واحد پتروشیمی در ایران احداث شده، در حالیکه پیش از انقلاب فقط ۶ واحد پتروشیمی در ایران وجود داشت. با احداث مجتمع های صنعتی پتروشیمی در مرودشت، خارك، شیراز، آبادان و چند شهر دیگر، ایران در بخش هایی چون تولید کود کیمیاوی، گوگرد، آمونیاک، اوره، اسید فسفریک، فسفات آمونیوم، مواد پلیمری و مواد کیمیاوی و انواع و اقسام اسیدها و مواد شوینده به خودکفایی رسیده و بسیاری از این محصولات را به کشورهای دیگر صادر می کند. تا پایان امسال آینده، محصولات پتروشیمی ایران به ۶۵ میلیون تن خواهد رسید. در این راستا ۲۵ درصد تولید پتروشیمی خاورمیانه توسط ایران تهیه می شود.

و) رکوردها در سد سازی

امروز نزدیک به ۱۹۰ سد بزرگ و کوچک در کشور داریم که نسبت به پیش از انقلاب ۱۰ برابر شده است. ایران در حال حاضر به لحاظ کیفیت طراحی و اجرای طراحی سدسازی رتبه اول را در منطقه دارد و با توجه به چشمگیر بودن حضور کارشناسان و متخصصان ایرانی در مجامع بین المللی سدسازی نظیر کمیسیون بین المللی سدهای بزرگ (Icold)، ایران جزء تولید کننده های درجه یک دانش سدسازی در جهان است. بنا بر آمارهای منتشر شده، در حال حاضر ایران پس از چین و ترکیه، رتبه سوم سدسازی را در دنیا دارد.

ایران به لحاظ کیفیت طراحی و اجرای سدسازی، رتبه سوم را در دنیا دارد و بنا به اظهارات متخصصان بین المللی، ایران رتبه اول را از نظر مطالعات جامع منابع آب دارد.

ساخت سدهای پیش از انقلاب عمدتاً توسط شرکت های آمریکایی، ایتالیایی، اتریشی، آلمانی و برخی دیگر از کشورهای اروپایی صورت می گرفته است. قبل از انقلاب ۱۳ سد مخزنی و ۶ سد تنظیمی در کشور ساخته شده بود که سر جمع تمام سدهای کشور ۱۹ سد بود.

هم اکنون متخصصان ایرانی در کشورهای سریلانکا، کنیا، تاجیکستان و تعداد دیگری از کشورهای آفریقای و آمریکای لاتین به ساخت سد و نیروگاه مشغول هستند. به گفته وی، سد و نیروگاه سنگ توده و تونل انزاب در کشور تاجیکستان از مهمترین نمونه ها هستند.

ی) پیشرفت های حوزه صنعت

ایران در تولید موتور ماشین مقام اول را در خاورمیانه به دست آورده است. تولیدات صنایع موتور ایران در سال ۱۳۷۳ کمتر از ۱۰۰ هزار دستگاه بود. این میزان در سال ۱۳۸۶ به حدود یک میلیون دستگاه رسید و در حال حاضر به مرز ۱/۵ میلیون دستگاه رسیده است. هم اینک کارخانه های بزرگ موتورسازی نظیر ایران خودرو، پارس خودرو و سایپا، تولیدات متنوع خود را به بازارهای داخلی و خارجی عرضه می کنند و حجم قابل ملاحظه ای از موتورهای تولید شده، صادر می شود.

ایران در زمینه تولید فولاد نیز رشد چشمگیری داشته است. بنا به نظر کارشناسان، تولید فولاد خام در سال ۱۳۵۷، ۳۷۰ هزار تن بوده که در سال ۱۳۹۰ به بیش از چهارده میلیون تن رسیده است.

هم اکنون ایران به عنوان بزرگترین تولید کننده سیمان در منطقه خاورمیانه، ظرفیت تولید سالانه سیمان خود را به ۶۵ میلیون تن رسانده است. پیش بینی می شود تا پایان سال جاری، ظرفیت تولید سیمان به ۷۰ میلیون تن برسد.

ایران در زمینه ساخت بناهای عظیم، گامهای مهمی برداشته است. گردشگرانی که از ایران بازدید می کنند، با دیدن برجهای مرتفع در ایران، شگفت زده می شوند. از جمله برجهای بزرگ ایران و جهان، برج میلاد است. این برج به عنوان چهارمین برج مخابراتی و تلویزیونی جهان، توسط طراحان و مهندسان ایرانی ساخته شده است. ارتفاع این برج زیبا ۴۲۵ متر است و در شمال غرب تهران واقع شده است.

سه نکته پایانی به عنوان جمع‌بندی سؤال ششم:

نکته اول:

اینکه پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی کشور و موفقیت‌های آن در عرصه مختلف پس از انقلاب اسلامی از یکسو شاهدهی بر بالندگی و پویایی نظام و کارآمدی آن است و از سوی دیگر گویای عزم و اراده جدی نظام برای دست‌یابی به توسعه و پیشرفت همه‌جانبه است و اهداف ترسیم‌شده برای دولت جمهوری اسلامی در اصل سوم قانون اساسی به نحوی بیانگر این امر است. از این رو پیشرفت‌ها و موفقیت‌های کشور در عرصه‌های مختلف می‌تواند ملاک و معیار ارزیابی جهت‌گیری‌های کلی نظام و عزم آن برای حرکت در مسیر پیشرفت و توسعه باشد و از این لحاظ می‌توان کشورهای مختلف را بر اساس امکانات، منابع و ... با یکدیگر مقایسه نمود و آنچه ارزش پیشرفت‌های بدست‌آمده از سوی نظام جمهوری اسلامی را دوچندان می‌کند توجه به این نکته است که این پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها در کشور با وجود مشکلات و موانع بزرگی همچون تحریم‌ها و فشارهای قدرتهای بزرگ و جنگ تحویلی و خسارتهای ناشی از آن و محدودیت‌های زیادی صورت گرفته است. مشکلات و موانعی که می‌تواند حرکت هر کشوری را در این راستا متوقف نماید.

نکته دوم:

اینکه ساختار رژیم گذشته به گونه‌ای بود که اجازه پیشرفت و توسعه کشور را سلب نموده بود، وابستگی شدید به کشورهای بزرگ، بی‌توجهی به علم و تحقیقات علمی، بی‌اعتنایی به صنعت و توسعه کشاورزی و تولیدات داخل، وابستگی به نفت و عدم سرمایه‌گذاری عواید حاصله در جهت رشد و پیشرفت کشور و ... از شاخصه‌های اصلی ساختار رژیم گذشته بودند، بدیهی است با وجود این ساختار ناسالم و به‌ویژه با این تفکر و بینش، ادامه حیات این رژیم جز ترسیم آینده‌ای تاریک برای کشور چیز دیگری را به ارمغان نمی‌آورد از این رو اگر رژیم گذشته سقوط نمی‌کرد و به حیات خود ادامه می‌داد به یقین وضعیت کشور با امروز بسیار متفاوت بود و نه تنها از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های علمی امروز خبری نبود که ما در راستای وابستگی به کشورهای بزرگ، امروز به عنوان کشوری کاملاً وابسته و غیر تأثیرگذار در معادلات بین‌المللی مطرح بودیم و در نهایت به عنوان نوکر و تأمین‌کننده منافع قدرت‌های بزرگ جایگاهی نامناسب در عرصه جهانی داشتیم. جایگاهی که به هیچ وجه با جایگاه و عظمت امروز نظام جمهوری اسلامی قابل مقایسه نیست. بنابراین ساختار، روند و خط‌مشی کلی رژیم گذشته به گونه‌ای بود که در صورت تداوم آن نمی‌توانست استقلال، پیشرفت و رشد و توسعه کشور را فراهم نماید و حاصلی جز وابستگی و عقب‌ماندگی و از دست رفتن عزت و اقتدار کشور داشت.

نکته سوم:

اینکه بسیاری از پیشرفت‌های بدست‌آمده در کشور پس از انقلاب اسلامی مرهون نسلی است که در فضای انقلاب اسلامی به رشد و بالندگی دست یافتند. علاوه بر اینکه آنچه مهم است حمایت و جهت‌دهی استعدادهایی است که می‌تواند در مسیر رشد و پیشرفت کشور مورد استفاده قرار بگیرد. از این رو تحصیل‌کرده‌های رژیم گذشته و دانش‌آموختگان در جمهوری اسلامی همه جز سرمایه‌ای علمی کشور محسوب می‌شوند. که باید از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان در جهت اعتلای موقعیت کشور بهره‌گرفت. کاری که در نظر جمهوری اسلامی صورت گرفته است و نیازمند توجه بیشتر مسئولان نظام است.

۸. چرا امام خمینی (ره) فرمودند: «حفظ نظام از اوجب واجبات است» و آیا این سخن برای هر عصری صادق است، حتی زمانی که به بیراهه کشیده شود؟

بدیهی است که این سخن امام (ره) ناظر به نظام اسلامی (و مصداق فعلی آن یعنی جمهوری اسلامی ایران) است و نه هر نظامی، که اگر چنین بود، تناقض داشت و قیام و انقلاب بر علیه نظام باطل (شاهنشاهی) معنایی نداشت. پس حفظ نظام اسلامی از اوجب

واجبات است و نه هر نظامی که به بیراهه رفته است. (البته باید دقت شود که این معنا مورد سوء استفاده قرار نگیرد و نگویند که خوب پس چون در نظام اسلامی فلان اتفاق افتاد یا فلان کس مال زیادی از بیت‌المال به جیب زد، پس به بیراهه رفته است! خیر. بلکه نظام در مسیر حق خود حرکت می‌کند و البته چنین اتفاقاتی اگر چه نکوهیده است، اتفاق می‌افتد. چنانچه در زمان رسول‌الله (ص) و ائمه (ع) نیز اتفاق افتاده است. اما نظام اسلامی مکلف است که جلوی انحراف را بگیرد و مسلمانان نیز مکلفاند که از نظام - اگر چه ضعیف باشد - حمایت کنند تا به قدرت برسد.

اما درباره‌ی چرایی آن؟ که دلایل بسیار عقلی و نقلی دارد که ذیلاً به صورت اختصار به یک مورد کلی اشاره می‌گردد: یکی از تفاوت اساسی اسلام با سایر ادیان الهی [که البته تحت نفوذ طواغیت تحریف شده است] نگاه به دین و ضرورت اجرای احکام الهی است. چنان چه آنان دین را مسئله‌ای کاملاً شخصی دانسته و جایگاه اوامر الهی را صرفاً موعظه، نصیحت و ارشاد تلقی می‌کنند. چنان چه مشهود است این نوع نگاه به دین، مسخره کردن دین و دینداری و به تعطیل کشاندن آن با هدف سلطه‌ی قدرتمندان دنیاگرا می‌باشد. معنی ندارد که خداوند جهان را خلق کند، اما در چگونگی شئون و ارتباطات انسانی و چه باید کردها و نباید کردها، عقب نشینی کرده و بفرماید که من فقط نصیحت می‌کنم و شما هر کاری که دلتان خواست می‌توانید انجام دهید و دستور هر طاغوتی را به جای اوامر من لازم‌الاطاعت دانسته و اجرا کنید!

سلاطین دوره‌ی یهودیت برای آن که هم به صورت علنی مقابل اذهان عمومی نایستد و اعلام کفر نکند و هم نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی مردم را خنثی نموده و اوامر ملوکانه‌ی سلاطین را جایگزین نماید، چنین اعلام نمود که خداوندی هست و جهان و آدمیان را او خلق کرده است. اما پس از خلقت کنار کشیده و دستش بسته است و دیگر نمی‌تواند کاری کند و امور را به خودمان واگذار نموده است. و البته روزی هم قیامت را برپا می‌کند:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (المائدة - ۶۴)

ترجمه: و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته باد! و به خاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است هر گونه بخواهد، می‌بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید. و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکندیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند و خداوند، مفسدان را دوست ندارد.

اما دیدگاه اسلام این است که پیامبران فقط به عنوان شخصیت‌های معنوی، مرشد و نصیحت‌گو ارسال نشده‌اند، بلکه باید از آنان اطاعت کرد. چرا که اطاعت حق تعالی بر بندگان واجب است و خداوند متعال نیز اوامرش را از طریق وحی به آنان نازل نموده است و آنان را مأمور رساندن پیام و نیز حاکم و جاری نمودن احکام خودش نموده است:

«وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (النساء - ۶۴)

ترجمه: و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود.

و به همین دلیل مکرر در کلام وحی (قرآن کریم) فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء - ۵۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

در اطاعت از اوامر خدا (بندگی) که در اطاعت از رسول، اهل بیت (ع) و فقها در زمان غیبت متجلی می‌گردد، باید دقت نمود که همه‌ی احکام الهی واجب‌الاطاعت است و سعادت دنیا و آخرت انسان در گرو این اطاعت نهاده شده است و احکام الهی محدود به احکام نماز، طهارات یا سایر عبادات شخصی نبوده و جامع‌الاطراف و کامل است.

بدیهی است اگر دین در شئون فردی یا اجتماعی انسان دستورالعملی از جانب خداوند متعال نداشته باشد، آن دین ناقص است. لذا اسلام عزیز از آن جهت که دین کاملی است، در همه‌ی شئون فردی و اجتماعی دستور العمل دارد. اگر در احکام عبادی قرآن کریم تأمل و تدبر و تفحص شود، این نتیجه به دست می‌آید که احکام فردی حدود یک سوم احکام اجتماعی است و حاکمیت و اجرای احکام اجتماعی نیز (مثل: قضا - اقتصاد - سیاست - جنگ و صلح - فرهنگ و ...) منوط و مستلزم حاکمیت اسلام و برخورداری از حکومت اسلامی است. لذا شاهدیم که شخص پیامبر اکرم (ص) نیز در اولین فرصت [برای استقرار و اجرای احکام الهی]، حکومت اسلامی را برقرار نمود.

بنابراین، «حکومت» خود نیز یکی از احکام اولیه و ضروری اسلام است که مجرای تحقق دیگر احکام می‌باشد. لذا برقراری حکومت اسلامی وظیفه‌ی مردم است و وقتی برقرار شد، حفظ آن نه تنها واجب، بلکه واجب‌تر از سایر واجبات الهی می‌باشد و این دستور نیز دستور و حکم خداوند متعال است.

دقت شود که در تمامی احکام، گاهی یک حکم به خاطر حکم اولی‌تر اجرا نمی‌شود. مثلاً: روزه در ماه مبارک رمضان بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است، اما حفظ جان روزه‌دار (که بتواند روزه بگیرد) از آن واجب‌تر است، لذا اگر روزه برای او مضر باشد، حفظ جان و سلامت واجب‌تر بوده و روزه بر او حرام می‌گردد.

در مسئله‌ی حکومت نیز همین‌طور است. اگر انجام واجبی مزاحم استقرار و تداوم حکومت شود، حفظ نظام اولی‌تر است. بدیهی است که اگر نظام و حکومت اسلامی بر جامعه‌ی مسلمان حاکم نگردد، حتماً نظام و حکومت غیر دینی و طاغوتی حاکم می‌گردد و نه تنها بستر اجرای احکام اجتماعی را از بین می‌برد، بلکه حتی امکان حفظ دین شخصی نیز باقی نمی‌ماند. مضاف بر این که دین به دست قدرت طاغوت تحریف و در نهایت تعطیل شده و مردمان به انحراف کشیده می‌شوند (مانند جهان غرب). به همین دلایل [و دلایل دیگر] حفظ نظام از اوجب واجبات است.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه‌ی رسول الله (ص) است یکی از احکام اولیه‌ی اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است...» (صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۷۰)

۹. بعضی‌ها می‌گویند امریکا در انقلاب ایران تأثیر داشت. شاه داشت ایران را به ژاپن می‌رساند؛ امریکا ترسید و این‌معرکه را راه انداخت. آیا چنین نظری صحیح به نظر می‌رسد؟

به نظر می‌رسد ساده‌لوحانه‌ترین و کم‌ارج‌ترین داوری نسبت به تاریخ یک ملت و از همه مهم‌تر یک انقلاب بزرگ اجتماعی مثل انقلاب کبیر اسلامی این باشد که بخواهیم آن را منتسب به کشوری مثل امریکا کنیم. کسانی که این ادعا را دارند یا جاهل به عظمت انقلاب و به تاریخ ایران هستند، یا مثل سلطنت‌طلبان اسیر توهم توطئه‌اند و یا مزدورانی هستند که از ناتوانی غرب در به شکست کشاندن انقلاب اسلامی عصبانی‌اند. بنابراین، تلاش می‌کنند با چسباندن چنین برجسب‌های ناچسبی، عقده‌گشایی نمایند. اسناد موجود انقلاب اسلامی و دشمنی امریکا با این انقلاب تا آن پایه گویا است که نیاز به دلیل ندارد. پشتیبانی بی‌دریغ‌کارتر و دیگر مقامات آمریکایی از شاه، پیش از سقوط، طراحی کودتاهای پی‌درپی، حمایت از گروهک‌های مزدور و تروریست، تحریم‌های اقتصادی، وادار کردن صدام برای حمله به ایران، دادن سلاح‌های کشتار جمعی به صدام برای نابودی ملت ایران و انقلاب اسلامی،

حمایت قاطع از نظام سلطنت، مقابله با پیشرفت‌های علمی ایران و ده‌ها جریان، رویداد و نوشته‌های به جا مانده از مأموران امریکایی و دیگر دست‌اندرکاران غربی در مبارزه با انقلاب اسلامی و ده‌ها گواه زنده دیگر برای ابطال چنین دیدگاه‌هایی کافی است. بی‌تردید می‌دانید که شاه با کودتای سازمان سیا و دلار امریکا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تاج و تخت از دست رفته خود را بار دیگر بازیافت و بر گرده ملت ایران سوار شد. او پایگاه مردمی نداشت و با یآوری و پشتیبانی بی‌دریغ امریکا به سلطنت و حکومت ادامه می‌داد و اگر روزی امریکا دست از پشت او برمی‌داشت، بی‌درنگ سقوط می‌کرد و قدرت سلطنت خود را از دست می‌داد. بنابراین، اگر امریکا می‌خواست او را از قدرت و سلطنت کنار بزند به برپایی انقلاب نیازی نداشت، می‌توانست به وسیله یکی از فرماندهان ارتش یا یک کودتای نظامی او را سرنگون کند و یا به شکلی به ترور او دست بزند و یا با دارویی مرگ‌آور، بدون سر و صدا او را از میان ببرد و اصولاً شاه در برابر امریکا تا آن پایه خودباخته، بی‌اراده و ناتوان بود که اگر امریکا به او رو ترش می‌کرد، او بی‌درنگ دست‌ها را بالا می‌برد و همه‌چیز را رها می‌کرد و می‌رفت و دیگر لازم نبود امریکا برای بیرون کردن او انقلاب به راه بیندازد. همان طوری که پدر او در مقابل انگلیس دست‌ها را بالا برد و همه‌چیز را رها کرد و از چنگ ملت ایران گریخت.

اینکه گفته شود شاه به دنبال ساختن ژاپن دیگری در ایران بود و امریکاییان نمی‌خواستند این اتفاق بیفتد نیز تحریف آشکار تاریخ است. برای اینکه اوضاع اقتصادی و اجتماعی به هم ریخته دوران شاه را که ناشی از سیاست‌های اصلاحات ارضی و انقلاب سفید بود بهتر درک کنید شما را به نوشته‌های غربگرایانی چون: *فرد هالیدی، احمد اشرف، همایون کاتوزیان، ماشاالله آجودانی، آموزگار، مسعود کمالی، حسین بشیریه، بازرگان، گراهام رابرت، محسن میلانی، مهدی پرهام* و صدها نویسنده دیگر - که اوضاع نابسامان و بی‌برنامه و به هم ریخته اقتصادی دوره شاه را در آثارشان به خوبی ترسیم کرده‌اند - ارجاع می‌دهیم. این افراد هیچ‌کدام طرفدار انقلاب اسلامی نیستند که بگوییم با جانبداری نوشته‌اند. ژاپن شدن ایران در دوره شاه افسانه‌ای است که سلطنت‌طلبان بعد از سقوط شاه درست کردند. حتی در همان دوره نیز به ندرت اثری پیدا می‌کنید که سیاست‌های رژیم پهلوی را تشبیه به سیاست‌های ژاپن کرده باشند. رژیمی که از فرق سر تا نوک پا امریکایی و غربی بود و توانایی حتی تولید یک لوله‌نگ را نداشت و سازمان برنامه، ارتش، وزارت اقتصاد، وزارت جنگ، وزارت صنایع، وزارت کشاورزی و دیگر سازمان‌های برنامه‌ریزی و اجرایی آن را بیگانگان اداره می‌کردند و حتی از تکنسین‌های داخلی هم محروم شده بود، چگونه می‌توانست ایران را به ژاپن تبدیل کند؟ بنیادهای این ادعا عموماً از ناحیه سلطنت‌طلب‌هایی مطرح می‌شود که به خاطر وعده‌های پوچ امریکا در سرنگونی انقلاب اسلامی و شکست ذلت‌باری که در ایران نصیب امریکا، نظام شاهنشاهی و غربگرایان وابسته به امریکا و سلطنت شده است به دنبال روزنه‌هایی برای ایجاد تردید در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی هستند تا دست کم نسل‌های آینده را از همراهی و پشتیبانی از انقلاب اسلامی بازدارند و انقلاب اسلامی را بی‌رهر و سازند، خیالی که به توفیق خداوند هرگز رنگ واقعیت به خود نخواهد گرفت.

۱۰. به حضرت آیت الله خمینی از چه زمانی لقب «امام» داده شد و نخستین بار چه کسی ایشان را به این لقب خواند؟

نخستین شخصیتی که عنوان «امام» را برای رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به کار برد، استاد فرزانه محمدرضا حکیمی بود، که در کتاب «سرود جهش‌ها» که در سال ۱۳۴۲ به رشته نگارش کشید، چنین آورد:

...در این روز و روزگار، دیگر این نشان تشیع را بر کسی ندیدیم و این سخن عزیز شیعی «انتم علی احدی الحسنیین» را از کسی نشنیدیم، مگر از پیشوای شیعی اندیش معاصر و یادگار پیشینه‌های شیعه، امام خمینی ...

شاعری نیز در سال ۱۳۴۳ در پی تبعید امام به ترکیه چنین سرود:

ای ز وطن دور ای مجاهد دربند	ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند
ای ز وطن دور ای امام خمینی	ای تو علی را یگانه پور همانند

سروده دیگر این شاعر درباره امام چنین است:

الا ای امام بحق برگزیده

الا ای تو اسلام را نور دیده

زعیما! اما! از ایران چه پرسی

که سجن بزرگیست در خون طپیده

کتاب‌هایی که در نجف اشرف از سال ۱۳۴۸ منتشر شده مانند «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه»، «مبارزه با نفس یا جهاد اکبر»، «آوای انقلاب» و... نیز از قائد بزرگ اسلام به عنوان «امام» نام آورده است و سرانجام کتاب تاریخ نهضت اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۶ در لبنان منتشر شده است نیز به نام «بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی» نامگذاری شده است و در جای جای این کتاب از آن ابرمرد تاریخ با عنوان امام نام برده است. علاوه بر این در ماهنامه ۱۵ خرداد (دوره اول) که تا سال ۱۳۵۴ در نجف اشرف منتشر می‌شد نیز با عنوان «امام خمینی» از رهبر کبیر انقلاب اسلامی نام برده است. و بدین‌گونه روشن می‌شود که عنوان «امام» برای آن رهبر محبوب ملت سابقه‌ای دیرینه دارد و به دوران اوج انقلاب اسلامی و پس از پیروزی آن محدود نمی‌شود. البته ناگفته نماند حجت الاسلام حسن روحانی در مراسم چهلم شهادت آیت الله حاج سید مصطفی خمینی (رحمت الله علیه) در مسجد ارک تهران نیز با عنوان «امام» از خمینی کبیر یاد کرد و بدین‌گونه زمینه رواج این عنوان در السنه عموم مردم بهتر فراهم آمد.